

ایینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۷

۲۱۷

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.37, No.1 Apr - May 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

217

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

امید هادیان برسیانی | محمد دهقانی اراکی | جویا جهانبخش | امید حسینی نژاد | مجید جلیسه
نذیر احمد / شیوا امیرهدایی | حیدر عیوضی | آریا طبیب زاده | امیرحسن خورش
سیدضیاء مرتضوی | محمد غلامی | حمید عطائی نظری
علی ایمانی ایمنی | سعید مهدوی فر | رسول جعفریان

وقتی ترجمه تاریخ می سازد | نامه ای نویافته از آیت الله شبیری زنجانی به استاد مینوی در سال ۱۳۳۷
«کَالشَّمْسِ فِي رَابِعَةِ النَّهَارِ» | خراسانیات (۸) | چاپ نوشت (۲۳) |
مطالعات زبان و ادب فارسی در شبه قاره (۲) | آینه های شکسته (۱۳)
«سبک پشت» بی سنگ | ارزیابی اعتبار کتاب مزار عبدالله اصم
امامت و ولایت در محقق ترجمه ای جدید از قرآن کریم | معرفی و بررسی تصحیح تازه تنبیه الغافلین
«چون هَدَيَانِ مَحْمُومٌ نامفهوم»

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: محمد بن عمر واقدی (۱۳۰-۲۰۷ق)



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش
Jap.isca.ac.ir

ارزیابی اعتبار کتاب مزار عبدالله اصم

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران | امیرحسین خورش

| ۱۶۷ - ۲۰۱ |

۱۶۷

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

چکیده: عبدالله بن عبدالرحمن اصم مسمعی (د. حدود ۲۲۰ ق) کتابی حدیثی در موضوع زیارت امام حسین (ع) داشته است که اصالت روایات آن در دروان متقدم مورد انکار ابن غضائری و نجاشی قرار گرفته است؛ در دوران متأخر نیز آقایان سیستانی، مددی و شبیری در اصالت آنها تردید کرده‌اند. ۲۶ روایت از کتاب مزار او باقی مانده است. اغلب این روایات بسیار بلند هستند و جز سه روایت، هیچ‌یک از آنها سندی موازی با اصم برایشان یافت نمی‌شود و منفرد هستند. همچنین شواهد داستانی پردازی در روایات او زیاد است. به نظر می‌رسد با بررسی متنی تفصیلی روایات مزار اصم، روشن می‌شود که این روایات آکنده از کلیشه‌ها و ادبیات خاص اصم است و باید بر ساخته و پرورش یافته او باشد. همچنین به نظر می‌رسد که اسناد ظاهراً مستقل برای آن سه روایت، در واقع متکی بر حدیث اصم باشد؛ از این رو تمام ۲۶ روایت او منفرد هستند.

کلیدواژه‌ها: عبدالله بن عبدالرحمن اصم، احادیث مزار، کامل الزیارات ابن قولویه، زیارت امام حسین (ع).

Assessing the Reliability of the *Kitāb al-Mazār* of 'Abd Allāh al-Aṣamm

Amir-Hasan Khurvash

Abstract: 'Abd Allāh b. 'Abd al-Rahmān al-Aṣamm al-Masma'i (d. ca. 220 AH) is reported to have authored a ḥadīth collection on the visitation (*ziyārah*) of Imām al-Ḥusayn. The authenticity of the traditions attributed to this work was challenged already in the early Imāmī period by Ibn al-Ghadā'iri and al-Najāshī. In more recent scholarship, prominent scholars such as al-Sistānī, al-Mada'ī, and al-Shubayrī have likewise expressed doubts concerning their authenticity. Twenty-six traditions from al-Aṣamm's *Kitāb al-Mazār* have survived. Most of these reports are unusually lengthy, and with the exception of three narrations, none possesses a parallel chain of transmission independent of al-Aṣamm; consequently, they remain solitary reports (*mutafarridāt*). Furthermore, many of these traditions display indications of narrative embellishment and literary construction. Through a detailed textual analysis of the surviving material, this study argues that the traditions of al-Aṣamm's *Mazār* are characterized by recurring formulas, narrative patterns, and distinctive stylistic features that appear to reflect the literary activity of al-Aṣamm himself. The article further contends that the apparently independent chains associated with the three non-solitary reports are, in reality, dependent upon al-Aṣamm's version of the traditions. Accordingly, all twenty-six surviving reports may ultimately be regarded as unique transmissions deriving solely from him.

Keywords: 'Abd Allāh b. 'Abd al-Rahmān al-Aṣamm, *Mazār* traditions, *Kāmil al-Ziyārāt* of Ibn Qūlawayh, visitation of Imām al-Ḥusayn.

مقدمه^۱

ابومحمد عبدالله بن عبدالرحمن اصم مسمعی (د حدود ۲۲۰-۲۳۰ ق)^۲ از راویان امامی مذهب بصره بوده است. چهره روایی او دست کم از قرن پنجم نزد برخی از دانشوران امامی مورد تردید است. احمد بن حسین غضائری درباره اصم می نویسد: «ضعیف و مرتفع القول» است؛ کتابی در زیارات دارد که دلالت بر خبثات عظیم و مذهب متهافت [او] می کند؛ او از دروغگویان اهل بصره بود» (ابن الغضائری، ۱۳۸۰ ش، ص ۷۶).

پس از ابن غضائری، نجاشی (د. ۴۵۰ ق) نیز درباره اصم می گوید: «ضعیف است و غالی؛ هیچ نیست! [حدیثش هیچ اعتباری ندارد]... او کتاب المزار دارد؛ از کسی که آن کتاب را دیده، شنیدم که به من گفت: «آن تخلیط است» (النجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۲۱۷).

پس از او نیز در دوران متأخر روایات مزار اصم مورد تردید واقع شده است. سیدعلی سیستانی مزار عبدالله اصم را چنین وصف می کند: «این کتاب از مصادر اصلی کامل الزیارات است و [ابن قولویه] ۳۰ روایت از آن نقل کرده و اغلب روایاتش طولانی است و حاوی اموری غریب است» (الهاشمی، ۱۴۴۱ ق، ج ۱، ص ۴۳۹) و بر آن است که روایات اصم درباره ثواب زیارات، عجیب و منکر است (المهری، [بی تا-ب]، ص ۱۴۳) و در روایات مزار او و برخی دیگر، شواهد کذب و جعل ظاهر است (المهری، [بی تا-ا]، ص ۱۹۴).

سیداحمد مددی نیز اصم را به شدت متهم می داند و توضیح می دهد که احادیث اصم را مقابله کرده و دیده که احادیث او «اصل دارد ولی خیلی اضافات دارد» (مددی، ۱۳۸۹ ش). همچنین می گوید که به نظرش، اصم روایات را پرورش می داده و «کم و زیاد» و «دخل و تصرف» در آن می کرده است (مددی، ۱۳۸۸ ش). نیز درباره اصم گفته است: «سبک اصم یک مقدار مثل قصبه گویی است... مثلاً حدیثی را که نیم سطر بوده، شش سطر می کند» (مددی، ۱۳۹۳ ش).

سیدمحمدجواد شبیری زنجانی نیز به وجود «داستان پردازی» در روایات اصم توجه کرده است: «متن روایات او هم خاص است و جنبه داستان پردازی در روایاتش دیده می شود. اصل مضامین

۱. با تشکر از آقایان مصطفی بارگاهی، عمیدرضا اکبری و علی عادل زاده که پیش نویس مقاله حاضر را خواندند و پیشنهادهایی برای اصلاح آن بیان کردند.

۲. تاریخ درگذشت عبدالله اصم در منبعی ثبت نشده است؛ اما با توجه به اینکه حسین بن سعید اهوازی (د. حدود ۲۵۰ ق)، محمد بن حسن بن شتون (د. ۲۵۸ ق)، ابراهیم بن هاشم قمی (د. حدود ۲۶۰ ق)، محمد بن عیسی بن عبید (د. حدود ۲۶۰ ق)، عباس بن معروف (د. حدود ۲۶۰ ق) و محمد بن حسین بن ابی الخطاب (د. ۲۶۲ ق)، مستقیم از او روایت می کنند (نمونه: الکلبینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۹۵، ۲۸۳؛ ج ۶، ص ۴۵۰؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۸۰، ۳۳۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۴۴)، می توان حدس زد که او در حدود ۲۲۰-۲۳۰ قمری از دنیا رفته است. البته باید دینظر گرفت که عبدالله بن مغیره (د. حدود ۲۰۰-۲۱۰) نیز از اصم روایت می کند (نمونه: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۳) و این ممکن است نشان دهنده معمر بودن اصم باشد که هم متوفی حدود ۲۱۰ قمری از او اخذ حدیث کرده هم متوفیان ۲۶۰ قمری.

روایاتش صحیح است، اما پردازش آن در روایات دیگر وجود ندارد؛ همین امر مضغف روایات اوست» (شبیری، ۱۳۹۹ ش).

درباره میراث حدیثی عبدالله اصم تحقیقاتی نیز انجام گرفته است:

حسن انصاری در یادداشتی اینترنتی به نام «از میراث غلات: کتابی از سنت غالبان بصره از نیمه اول سده سوم قمری»، نخست درباره اصم توضیحاتی رجالی می دهد، سپس روایات مزاری را که اصم در سند آنان آمده، کامل آورده است (انصاری، ۱۳۹۳ ش). انصاری البته درباره وضعیت اعتبار متون حدیث اصم بحثی نکرده است.

علی عادل زاده در پایان نامه ارشدش نشان می دهد که ۶۰٪ روایات اصم از مسمع کردین^۱ (که عمدتاً فقهی است) مرتبط با روایات سکونی است و ۵۷٪ روایات مشترک اصم و سکونی، منفرد است و از طریق دیگری به امام صادق (ع) منسوب نشده و ۶۲٪ روایات مشترک، مشابه احادیث عامه است. البته وی می گوید که به نظرش اصم، روایات سکونی را سرقت کرده و به مسمع نسبت داده؛ ولی اثبات این فرضیه را محول به پژوهشی دیگر کرده است (عادل زاده، ۱۴۰۱ ش، ص ۸-۱۲).

محمد عندلیب همدانی و مرتضی حسینی در مقاله «نقد دیدگاه آیت الله سیستانی در حوزه اعتبار و اعتباربخشی کامل زیارات» (پژوهش های رجالی، ش ۷، ص ۱۴۰۳ ش) به دفاع از روایات عبدالله اصم و جعفر بن محمد بن مالک فزاری در کامل زیارات پرداخته اند. ایشان به غریب نبودن ثواب های زیاد برای زیارت امام حسین (ع) و رخداد امور غریب در پس شهادت ایشان توجه کرده اند؛ ولی اشاره ای به ادبیات خاص اصم و متون او نکرده اند.

محمد داود زارع مهرجردی و وحید عابد در مقاله «بررسی اصالت روایات عبدالله بن عبدالرحمن الاصم در تراث امامیه» (پژوهش های رجالی، ش ۸، ص ۱۴۰۴ ش) نخست به اعتماد محدثان به روایات او توجه کرده اند، سپس به منفرد نبودن بیشتر روایات اصم در غیر موضوع مزار و وجود مضامین مشابه با روایات مزار اصم در روایات دیگر پرداخته اند. البته ایشان در تحقیقشان به ادبیات خاص و میزان تکرار مضامین مشابه در روایات مزار اصم توجه نکرده اند.

با وجود اینکه اصالت احادیث مزار عبدالله اصم از دیرباز تا دوره معاصر، مورد تردید برخی از عالمان حدیث پژوه بوده است، تاکنون تحقیقی سامان نیافته که چالش های اصالت احادیث مزار اصم را به

۱. توجه شود که حدود ۷۳٪ روایات عبدالله اصم در کتاب های کافی و تهذیب از مسمع بن عبدالملک کردین است؛ از این رو برای شناخت وضعیت احادیث عمومی اصم (غیر از خصوص کتاب مزار)، توجه به روایات او از مسمع سودمند است.

تفصیل برشمارد. در پژوهش حاضر، برای روشن شدن اعتبار این روایات، به بررسی متنی روایات او توجه می شود؛ بدین منظور کلیشه ها و ادبیات و تعابیر مورد توجه اصم برجسته می شود. افزون بر این، اسناد اصم و میزان انفراد او در این نقل ها و اسناد ظاهراً مستقل از اصم به روایات او ارزیابی می شود.

۱. ارزیابی اسناد مزار اصم

مجموعه روایاتی که در کامل الزیارات و دیگر منابع متقدم از عبدالله اصم روایت می شود و از نظر موضوعی می تواند مرتبط با مزار الحسین (ع) باشد، از این قرار است:

جدول نخست: اسناد روایات عبدالله اصم

تعداد کلمه ^۱	سند عبدالله بن عبدالرحمن اصم	منبع
۴۲۰+	مسمع کردین < امام صادق (ع)	نقل مختصر: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۶۸؛ نقل کامل: فرات، ۱۴۱۰ ق، ۲۱۷
۳۸۰	ابویعقوب < ابان بن عثمان < زراره < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۶۵ ش، ص ۸۰
۲۶۰+	عبدالله بن مسکان < ابوبصیر < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۲
۲۶۰+	هیثم بن واقد < عبدالملک بن مقرن < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۶
۱۵۰+	ابوعبیده/ابوعبدالله بزار < حرزین < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۷؛ الکلبینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۸۳
۵۲۰+	مسمع کردین < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۱
۸۸۰+	عبدالله بن بکیر ارجانی < امام صادق (ع)	نقل های مختصر: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق، ص ۲۱۷؛ الاختصاص، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۴۳؛ الطوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۵۴؛ نقل کامل: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۲۶

۱. برای شمارش تعداد کلمات، واو و همزه - بنا بر رسم نگارش معاصر عربی - به واژه بعد چسبانده شده است.
۲. در نقل فرات کوفی نام اصم نیامده، اما به چند دلیل می توان فهمید که متن او از اصم است: در حدود ۱۸۰ کلمه حدیث که در روایت ابن قولویه از اصم آمده، این حدیث مطابقت متنی بسیار بالایی با روایت فرات دارد، در پایان روایت ابن قولویه آمده: «وذكر الحديث بطوله» که نشان می دهد نقل اصم ادامه داشته و خلاصه شده است، در نقل فرات دقیقاً با پایان یافتن موضع نقل شده توسط ابن قولویه ادامه متن آمده است، حدیث فرات از جعفر بن محمد بن مالک فزاری است و نام مشایخ او افتاده، اما می دانیم که او از محمد بن اسماعیل سلمی از اصم روایات مزار را نقل می کرده است، تنم حدیث که در نقل فرات آمده از نظر سبکی همسان با احادیث اصم است (درباره سبک احادیث مزار اصم، نگر: بخش ۲، ارزیابی متون اصم).
۳. در نقل امالی طوسی، شیخ اصم نه عبدالله بن بکیر ارجانی که محمد بن مسلم فرض شده است. البته این سند را نباید به حساب اصم گذاشت و او را متهم به تعویض مشایخ در حدیث واحد کرد؛ چه همین حدیث عبدالله بن بکیر را افراد متفاوتی (عبدالله بن حماد بصری، عبدالله بن مغیره، و عبدالله بن محمد بن زراره) از اصم روایت کرده اند؛ ولی حدیث محمد بن مسلم را کسی دیگر از اصم روایت نکرده است. همچنین در خود متن حدیث، ابن بکیر حضور دارد و توسط امام مخاطب قرار می گیرد: «یا ابن بکیر». افزون بر این، اصم در دیگر روایات هیچ گاه مستقیم از محمد بن مسلم روایت نمی کند.

۸	+۳۵۰	معاویة بن وهب < امام صادق (ع)	نقل کامل: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۶-۱۱۸؛ نقل های مختصر: الصفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۲۹، ح ۲-۳
۹	+۱۱۰	محمد بصری < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۲
۱۰	+۴۹۰	هشام بن سالم < امام صادق (ع)	نقل کامل: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۳؛ نقل های مختصر: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۸، ۱۸۵، ۱۹۴، ۲۴۶
۱۱	+۱۳۰	عبدالله بن بکیر < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۵
۱۲	+۳۰	حماد بن عثمان < رومی < زراره < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۵
۱۳	+۶۰	عبدالله بن بکیر < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۵
۱۴	+۵۵۰	مدلیح < محمد بن مسلم < امام باقر (ع)	نقل های مختصر: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۶؛ الکشی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۶۷؛ نقل کامل: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۷۵
۱۵	+۵۰	معاذ < ابان < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۷
۱۶	+۳۲۰	حسین < حلبی < امام صادق (ع)	نقل های مختصر: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۷؛ الطوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۴۵؛ نقل کامل: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۶
۱۷	+۵۰	عبدالله بن سنان < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۸
۱۸	+۱۲۰	مدلیح < محمد بن مسلم < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۳۰
۱۹	+۳۰	عبدالله بن مسکان < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۳۴
۲۰	+۷۰	عبدالله بن مسکان < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۴۵، ۱۵۴
۲۱	+۲۲۰	ابوعمر و - مردی از اهل کوفه - < ابو حمزة ثمالی < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۸۰
۲۲	+۱۰	مردی از اهل کوفه < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۸۲
۲۳	+۲۳۰	صفوان جمال < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۹۷

۱. در این مورد ما اصل متن اصم را در اختیار نداریم؛ ولی ابن قولویه متن مروی از معاویة بن وهب به طریقی دیگر را در اختیار ما قرار داده، سپس گفته که متن اصم مانند آن است: «[۱]... عن حسان [غسان] البصري عن معاوية بن وهب قال: "استأذنت على أبي عبد الله... فسمتعه یناجی ربه وهو یقول... "الأصم عن معاوية بن وهب قال: "استأذنت علی أبي عبد الله وذكر مثله... [ب.] حسان [غسان] البصري عن معاوية بن وهب عن أبي عبد الله قال: "قال لي: يا معاوية لا تدع زيارة الحسين... "الأصم عن معاوية بن وهب قال: استأذنت علی أبي عبد الله ع وذكر الحديث والدعاء لزوار الحسين ع» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۶-۱۱۸). به نظر می رسد حدیث منسوب به معاویة بن وهب در نقل مروی از غسان بصری دوپاره شده بوده، اما در نقل اصم یک پارچه بوده؛ چه در سند دومی که به اصم داده شده، به صراحت آمده است: «ذكر الحديث والدعاء»؛ همچنان که در نقل مروی از ابراهیم بن عقبه از معاویة بن وهب (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۸) و در نقل منسوب به ابن ابی عمیر از معاویة بن وهب (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق، ص ۹۴-۹۶) هم دو متن یکپارچه آمده است.

۲. محتمل است که این حدیث در واقع قطعه ای از حدیث مذکور در ردیف ۲۱ باشد.

۲۴	+۳۲۰	؟ < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۲۴
۲۵	+۷۵۰	حماد بن عثمان < امام صادق (ع)	ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۲
۲۶	+۱۱۰	حیدرة < امام صادق (ع)	نقل کامل: ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۵؛ نقل های مختصر: الکلبینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۳؛ الطوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۲۱

درباره این اسناد چند نکته را باید ملاحظه کرد:

۱-۱. انتساب این نقل ها به عبدالله اصم

این نقل ها به اسناد مختلفی از اصم روایت شده است. پرتکرارترین سند در این میان که از آن با عنوان «سند اصلی» یاد می کنیم، سند حاضر است: ابن قولویه < محمد بن عبدالله حمیری < عبدالله بن جعفر حمیری < علی بن محمد بن سالم < محمد بن خالد < عبدالله بن حماد بصری < اصم. سید محمد جواد شبیری روایات فراوان اصم در کامل الزیارات به این سند، را قرینه ای می داند بر اینکه این روایات از کتاب اصم اخذ شده است (شبیری، ۱۳۹۹ ش). البته باید این روایات به کتاب اصم بازگردد؛ اما ممکن است دسترسی ابن قولویه به این کتاب، مستقیم نباشد و با واسطه کتابی از حمیری پدر باشد.

در میان روایاتی که در جدول بالا معرفی شده، به جز ردیف ۲۱ و ۲۶ در تمام ردیف ها یا تنها نقل موجود، از سند اصلی است یا چند نقل هست که یکی از آن ها با سند اصلی است. در ادامه اسنادی را می بینیم که با سند اصلی در نقل احادیثی از اصم اشتراک دارند:

جدول دوم: اسناد دارای هم پوشانی با سند اصلی منتهی به اصم

حدیث	سندی که با سند اصلی هم پوشانی دارد و به اصم منتهی می شود
۵	کلبینی < علی بن بن ابراهیم < ابراهیم بن هاشم
۷	ابن قولویه < محمد بن قولویه < حسین بن حسن بن ابان < حسین بن سعید اهوازی < عبدالله بن مغیره
	ابن قولویه < محمد بن قولویه < سعد بن عبدالله اشعری < محمد بن حسین بن ابی الخطاب < محمد بن عبدالله بن زرارة
	صاحب الاختصاص < احمد اشعری < پدرش و عباس بن معروف < عبدالله بن مغیره
	ابن بابویه < ابن متوکل < عطار < محمد بن احمد بن یحیی < احمد بن محمد < پدرش

۱. در سند این نقل نام عبدالله بن عبدالرحمن اصم نیامده است؛ ولی روشن است که این روایت از او بوده است؛ چه سند این روایت (حمیری پدر - حمیری پدر - علی بن محمد بن سالم (در اینجا به سلیمان تصحیف شده) - محمد بن خالد - عبدالله بن حماد - امام صادق) است، در حالی که عبدالله بن حماد با چند واسطه از امام صادق (ع) روایت می کند و نمی تواند مستقیم از ایشان روایت کند. همچنین این سند (حمیری پدر... عبدالله بن حماد) در تمام کامل الزیارات - بدون استثناء - همواره به اصم منتهی می شود؛ چنان که در سند بعد این حدیث با عبارت «بهذا الإسناد» روایتی از اصم آمده است. افزون بر این در این روایت تعبیر و مضامینی به چشم می خورد که با سبک روایات اصم سازگار است و در روایات دیگران مشاهده نمی شود. البته روایت اصم نیز از امام صادق (ع) مستقیم نباید باشد و به احتمال زیاد او با یک یا چند واسطه از امام صادق (ع) روایت کرده است.

۸	ابن قولویه < جماعت مشایخش - از جمله محمد بن قولویه - < سعد اشعری < احمد اشعری < عبدالله بن حماد بصری
۱۴	کشی < عیاشی < جعفر بن احمد سمرقندی < عمرکی بن علی بوفکی < محمد بن حبیب ازدی < عبدالله بن حماد بصری
۱۵	صاحب الاختصاص < عدة من اصحابنا < ابن بطة < احمد برقی < بعض اصحابه
۱۶	ابن قولویه < محمد بن همام اسکافی < جعفر بن محمد بن مالک فزاری < محمد بن سهیل < عبدالله بن حماد بصری
	ابن قولویه < ابن ولید < صفار < عباس بن معروف
	طوسی < ... < محمد بن احمد بن داود < علی بن حیثی < جعفر بن محمد بن مالک فزاری < محمد بن اسماعیل سلمی < عبدالله بن حماد بصری

این نقل‌ها مطابقت بسیار بالایی با نقل‌های سند اصلی دارند و تفاوت قابل توجهی میان آنها یافت نشد. با ملاحظه اینها تغییراتی به نظر نرسید که شاهد بر تحریف باشد. همچنین این نقل‌ها با دیگر روایات سند اصلی که سند متابعی ندارند، از جهت سبکی تفاوتی ندارند و الگوهای متنی یکسانی دارند که در ادامه مقاله به آن توجه می‌شود؛ از این رو به نظر می‌رسد مجموع نقل‌های سند اصلی، کتاب مزار اصم را بازتاب می‌دهد.

نقل‌های ردیف ۲۱ و ۲۶ که توسط سند اصلی روایت نشده، به این اسناد هستند:

جدول سوم: اسناد فاقد هم‌پوشانی با سند اصلی منتهی به اصم

حدیث	دو نقلی که توسط سند اصلی روایت نشده‌اند
۲۱	ابن قولویه < محمد بن حسن بن علی بن مهزیار < علی بن مهزیار < حسن بن سعید اهوازی
۲۶	کلینی < عدة من اصحابنا < احمد برقی < بعض اصحابه
	ابن قولویه < ابن ولید < صفار < عباس بن معروف
	طوسی < ... < محمد بن احمد بن یحیی < جعفر بن محمد < بعض اصحابنا

این نقل‌ها هم به نظر می‌رسد که انتسابشان به اصم اصیل باشد؛ هم به دلیل آنکه سبکشان با سبک دیگر روایات مزار اصم متفاوت نیست، هم به جهت این شاهد که روایت ۲۱ حاوی قطعه‌ای است که روایت ۲۲ می‌تواند مرتبط با آن باشد. افزون بر این، یکی از اسناد روایت ۲۵ (سند ابن قولویه به عباس بن معروف) همان سندی است که در روایت ۱۶ با سند اصلی هم‌پوشانی دارد.

۲-۱. بلندی و انفراد روایات عبدالله اصم

نکته قابل تأملی که در جدول نخست ملاحظه می‌شود، طولانی بودن روایات اصم است. در مجموع تعداد کلمات این روایات بیش از ۶۸۰۰ واژه است. البته باید در نظر گرفت که این اندازه تنها بخشی از روایات اصم است. هم روشن نیست که تمام مزار اصم در کتاب ابن قولویه

بازتاب یافته باشد، هم در همین بخش بازتاب یافته چند روایت داریم که تصریح شده که به اختصار نقل شده‌اند، اما در جایی به نقل کامل آنها دسترسی نداریم.^۱ در میان این روایات، تنها این نقل‌ها یافت شد که به اسنادی غیر از سند اصم نیز نقل شده است:

جدول چهارم: اسناد هم‌بسته با اسناد مزار اصم

سند اصم	اسناد احادیث هم‌بسته با حدیث اصم	
ح ۸: اصم < معاویه بن وهب	کلینی < محمد بن یحیی و غیر او < محمد بن احمد و ابن ابی الخطاب < موسی بن عمر < غسان بصری < معاویه بن وهب (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۲)	
	کلینی < علی بن ابراهیم < بعض اصحابنا < ابراهیم بن عقبه < معاویه بن وهب (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۲)	
	ابن قولویه < جماعتی < عبدالله بن جعفر حمیری < موسی بن عمر < غسان بصری < معاویه بن وهب (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۱۶)	
	ابن قولویه < محمد بن قولویه < سعد اشعری < موسی بن عمر < غسان بصری < معاویه بن وهب (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۱۷)	
	ابن قولویه < محمد بن حسین بن مثنی < محمد بن احمد بن یحیی < موسی بن عمر < غسان بصری < معاویه بن وهب (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۱۸)	
	ابن قولویه < کلینی و علی ابن بابویه < علی بن ابراهیم < بعض اصحابنا < ابراهیم بن عقبه < معاویه بن وهب (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۱۸)	
	ابن قولویه < جماعتی < احمد بن ادريس و محمد بن یحیی < عمرکی < یحیی خادم < ابن ابی عمیر < معاویه بن وهب (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۱۸)	
	ابن بابویه < علی ابن بابویه < سعد اشعری < یعقوب بن یزید < ابن ابی عمیر < معاویه بن وهب (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۹۴)	
	ح ۱۰: اصم < هشام بن سالم	عمرکی < یحیی خادم < علی < صفوان جمّال (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۲۹، ۱۶۵)
	ح ۲۳: اصم < صفوان جمّال	عمرکی < یحیی خادم < علی < صفوان جمّال (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۹۲، ۲۹۶، ۲۹۸)

بر این اساس، در میان ۲۶ حدیث مزار اصم، تنها سه حدیث از غیر طریق او هم روایت شده است. این میزان انفراد در کنار طولانی بودن روایات تعجب‌برانگیز است؛ به ویژه که اصم راوی مستقیم امام نیست یا از یک شیخ خاص روایت نمی‌کند و از مشایخ متنوعی استفاده می‌کند.

۱. در ردیف ۱۰ کامل‌ترین نقل موجود از روایت اصم، همچنان نمایان‌گر تمام حدیث اصم نیست؛ چه در آغاز آن آمده است: «فی حدیثِ طویل». در آغاز حدیث ذکر شده در ردیف ۱۱ نیز آمده است: «فی حدیثِ طویل»، در ردیف ۲۱ نیز در صدر حدیث تذکر داده شده که حدیث مذکور خلاصه حدیث اصلی است: «قَالَ: كُنْتُ بِمَكَّةَ - وَذَكَرَ فِي حَدِيثِهِ: - قُلْتُ». در ردیف ۲۳ نیز در پایان حدیث تصریح شده که ادامه حدیث ذکر نشده است: «وَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوِيلِهِ». بنابراین دست‌کم ۴ نقل از نقل‌های مورد دسترس ما، حاوی تمام کلمات نقل اصم نیست. البته در ردیف‌های دیگر نیز نقل‌های مختصری داریم که خوشبختانه به نقل کامل‌تر همان‌ها دسترسی داریم و منابع نقل‌های کامل و مختصر در هر ردیف مشخص شده است.

البته در خصوص اینکه آیا نقل‌های موازی این سه روایت، واقعاً مستقل از اصم است یا از او انتحال شده، در بخش سوم مقاله سخن خواهیم گفت.

افزون بر انفراد قابل تأمل اصم در روایاتش، مناسب است به اصل میزان حضور مشایخ ادعایی اصم در اسناد روایات زیارات در خارج از روایت اصم توجه کرد. برای بررسی این مسئله می‌توان به کتاب کامل زیارات پرداخت.

در میان مشایخ مذکور در روایات اصم از این افراد روایتی در کامل زیارات یافت نشد که اصم در طریق آنها نباشد: مسمع بن عبدالملک کردین، معاویه بن وهب^۱ و رومی بن زرارة. همچنین مراد از محمد بصری، معاذ، حسین و ابوعمر - مردی از اهل کوفه - در اسناد اصم مشخص نیست. عبدالله بن بکیر ارجانی، هیشم بن واقد، عبدالملک بن مقرن و ابوعبیده/ ابوعبدالله بزار نیز صرفاً در اسناد اصم حضور دارند و خارج از اسناد او شناخته شده نیستند.

بر این اساس برای مقایسه نقل‌های اصم از روایان با نقل‌های غیر اصم از همان روایان، تنها می‌توانیم به روایت راویانی توجه کنیم که از آنان در کامل زیارات روایتی آمده که اصم در اسنادشان حضور ندارد. در جدول زیر نگاهی به تعداد کلمات روایات این روایان خواهیم داشت؛ با لحاظ این نکته که نقل‌های اصم و نقل‌های هم‌بسته با اصم (جدول چهار) را در نظر نمی‌گیریم:^۲

جدول پنجم: تعداد کلمات روایان حاضر در اسناد اصم در روایات غیر اصم در کامل زیارات

نام راوی	تعداد کلمات هر روایت	منبع (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق)
زرارة بن اعین	۲۳، ۲۵، ۴۳، ۱۱، ۴۲	ص ۷۵، ۷۸، ۹۰، ۱۳۷، ۲۹۲
ابان بن عثمان	۳۱، ۹	ص ۱۵۹، ۲۲۲
عبدالله بن مسکان	۵۹، ۲۴، ۵۵، ۲۵، ۱۱، ۱۴، ۱۹، ۶	ص ۷۸، ۱۰۹، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۹۰، ۲۹۲
ابوبصیر	۴۴، ۱۴، ۸، ۲۰، ۹، ۱۲، ۲۷۶، ۳۳، ۱۰۱، ۷	ص ۵۲، ۵۹، ۶۳، ۷۵، ۷۹، ۸۴ (ح ۴، ۵)، ۸۹، ۱۰۸، ۲۲۲، ۱۳۷، ۱۱۱
هشام بن سالم	۱۳	ص ۱۵۸
حماد بن عثمان	۷، ۲۲، ۳۰، ۴۱	ص ۶۰، ۹۱، ۲۹۲، ۲۹۵
محمد بن مسلم	۷، ۲۲، ۲۰، ۵۶، ۲۶، ۳۰، ۱۵۳، ۶۹	ص ۱۰۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۶۸، ۱۹۳، ۲۹۲، ۲۹۵
(محمد/ عبیدالله) حلبی	۳۹، ۲۴، ۲۹، ۱۵، ۱۷	ص ۷۳، ۸۹، ۱۶۸، ۱۹۰، ۲۹۶
عبدالله بن سنان	۳۳، ۱۴، ۳۷، ۱۲۰، ۵۳	ص ۱۰، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۳۹، ۲۸۰
ابوحمزه ثمالی	۱۵۷، ۹۱، ۲۸۹، ۴۳۵، ۴۵۵، ۵۰، ۶۱	ص ۱۸۰، ۱۹۱، ۲۲۳، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۸۳
صفوان جمال	۵۶، ۱۲۱، ۶۹، ۳۵، ۱۷، ۶۶	ص ۱۱۳، ۱۴۵، ۱۸۴، ۱۹۰، ۲۷۱، ۳۳۰

۱. البته از معاویه روایاتی هست که از نقل‌های هم‌بسته با اصم است و پیش از این معرفی شد.

۲. البته در این بررسی به روایات افراد در ابواب غیر مربوط به امام حسین (ع) توجه نمی‌شود؛ چه اینکه اصم صرفاً در ابواب مربوط به امام حسین (ع) حضور دارد و موضوع کتاب مزارش، امام حسین (ع) است. همچنین اگر یک حدیث چند بار از یک راوی نقل شده، تنها یک بار طولانی‌ترین تحریر را در نظر می‌گیریم.

چنان که در جدول ملاحظه می شود، تعداد کلمات روایات هریک از این راویان بسیار کوتاه تر است از تعداد معمول کلمات در روایات اصم. تنها استثنا، ابوحمزه ثمالی است که تعداد کلمات روایاتش بسیار بالاست. در مورد ابوحمزه به جز دو روایت کوتاه نخست، پنج روایت دیگر همگی متعلق به یک سند واحد هستند که زیارت نامه ای بسیار بلند و تفصیلی را به او منسوب می کند. قطعه اصلی این زیارت نامه در یک باب کامل الزیارات آمده و قطعات دیگرش در باب های دیگر؛ از این رو نمی توان این وضعیت را ویژگی روایات ابوحمزه دانست.

۲. ارزیابی متون مزار اصم

روایات مزار عبدالله اصم چنان که پیش تر گفته شد، اغلب منفرد است و به طرق دیگری شناخته شده نیست. همچنین چند نقل محدودی که سند موازی با اصم دارد (جدول چهار)، چنان که در بخش سوم گفته خواهد شد، باید انتحال از اصم باشد. همچنین دیده شد که نقل های مزار او بسیار طولانی است و این خصوصیت در روایات دیگران از مشایخ اصم دیده نمی شود. بر این اساس، در نگاه نخست به نظر می رسد که وضعیت روایات اصم پیچیده است و نمی توان آنها را در آغاز روایات اصیل مشایخ او در نظر گرفت و محتمل است که خود او در شکل گیری این متون نقش داشته باشد.

برای بررسی بیشتر احتمال نقش اصم در متون روایاتش، باید آن متون را به تفصیل مطالعه کرد. به نظر می رسد در روایات اصم از مشایخ و اسناد مختلف، دغدغه ها و مطالب و کلیشه ها و موضوعات یکسانی به کار رفته است که این میزان کاربرد در روایات غیر اصم یافت نمی شود و این نکته می تواند نشان دهد که بخش قابل توجهی از روایات اصم حاصل پردازش خود اوست و ارتباطی واقعی با مشایخش ندارد. در این بخش به حضور این مطالب در نقل های مختلف مزار اصم توجه می کنیم و نمونه هایی از این دست را برمی شماریم.

۲-۱. جلوگیری حزن از سخن، غذا و خواب

در چند نقل از داستان های اصم آمده است که شخص چنان حالتی از گریه و حزن برایش پیش آمد که نتوانست سخن بگوید، غذا بخورد یا بخوابد:

اصم < عبدالله بن مسکان > ابوبصیر: فَبَكَيْتُ حِينَ قَالَهَا فَمَا قَدَرْتُ عَلَى الْمُنْطِقِ
وَمَا قَدَرْتُ عَلَى كَلَامِي مِنَ الْبُكَاءِ ثُمَّ قَامَ إِلَى الْمُصَلَّى يَدْعُو فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ عَلَى
تِلْكَ الْحَالِ فَمَا انْتَفَعْتُ بِطَعَامٍ وَمَا جَاءَنِي النَّوْمُ وَأَصْبَحْتُ صَائِمًا وَجَلًّا
(ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۸۳).

اصم < هیثم بن واقد < عبدالملک بن مقرن < امام صادق (ع): إِنَّ مَلَائِكَةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الْحَفَظَةِ تَحْضُرُ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ بِالْحَائِرِ فَتُصَافِحُهُمْ فَلَا يُجِيبُونَهَا مِنْ شِدَّةِ الْبُكَاءِ فَيَنْتَظِرُونَهُمْ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ وَحَتَّى يُنَوَّرَ الْفَجْرُ ثُمَّ يَكَلِّمُونَهُمْ وَيَسْأَلُونَهُمْ عَنِ أَشْيَاءٍ مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۶).

اصم < مسمع کردین: أَسْتَعْبِرُ لِدَلِكِ حَتَّى يَرَى أَهْلِي أَثَرَ ذَلِكَ عَلَيَّ فَأَمْتَنِعُ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يَسْتَبِينَ ذَلِكَ فِي وَجْهِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۱).

اصم < صفوان جمال < امام صادق (ع): اِئْتَهَالَ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ عَلَى قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَعَلَى قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ ع وَنَوَّحَ الْجَنِّ عَلَيْهِمَا وَبُكَاءِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ حَوْلَهُمْ وَشِدَّةِ حُرْبِهِمْ فَمَنْ يَنْهَنَّا مَعَ هَذَا بِطَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۹۷).

در کامل الزیارات نقل دیگری یافت نشد که چنین مضمونی را داشته باشد، جز یک نقل از عمرکی (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۹۲) که چنان که پیش تر در جدول چهار گفته شد، هم بسته با نقل اصم است و چنان که در آینده گفته می شود، از نقل اصم انتحال شده است.

۲-۲. خوف و وجل داشتن

در چند نقل عبدالله اصم از ترس با مشتقات «وجل» و «خوف» یاد شده و از زیارت در این حال سخن گفته شده است:

اصم < عبدالله بن مسکان < ابوبصیر: فَمَا انْتَفَعْتُ بِطَعَامٍ وَمَا جَاءَنِي النَّوْمُ وَأَصْبَحْتُ صَائِمًا وَجِلًّا (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۳).

اصم < معاویه بن وهب < امام صادق (ع): قَالَ لِي يَا مُعَاوِيَةَ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع لِخَوْفٍ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۶).

اصم < حماد بن عثمان < رومی < زراره: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع مَا تَقُولُ فِيمَنْ رَأَى أَبَاكَ عَلَى خَوْفٍ؟ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۵).

اصم < عبدالله بن بکیر ارجانی: قُلْتُ لَهُ إِنِّي أَنْزِلُ الْأَرْجَانَ وَقَلْبِي يُنَارِعُنِي إِلَى قَبْرِ أَبِيكَ فَإِذَا خَرَجْتُ فَقَلْبِي وَجِلٌّ مُشْفِقٌ حَتَّى أَرْجِعَ خَوْفًا مِنَ السُّلْطَانِ وَالسَّعَاةِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۶).

اصم < مدلیح > محمد بن مسلم: ثُمَّ قَالَ لِي هَلْ تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع قُلْتُ نَعَمْ عَلَى خَوْفٍ وَوَجَلٍ فَقَالَ مَا كَانَ فِي هَذَا أَشَدَّ فَالْتَّوَابُ فِيهِ عَلَى قَدْرِ الْخَوْفِ وَمَنْ خَافَ فِي إِيْتَانِهِ آمَنَ اللَّهُ رُوعَتُهُ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۷۶).

هیچ روایت دیگری در کامل الزیارات یافت نشد که در آن مشتقات «وجل» به کار رفته باشد. در روایاتی هم در کامل الزیارات که حاوی مشتقات «خوف» هستند، حضور اصم چشمگیر است؛ چنان که در باب «ثواب من زار الحسين ع وعليه خوف» ۵ روایت آمده که سه تای آنها از اصم است و یکی از روایات، هم بسته با اصم است و تنها یکی، مستقل از اصم است که در آن عبارت «زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فِي حَالِ التَّقِيَّةِ» آمده و واژه خوف و واژه‌های مترادفش مستقیم به کار نرفته است (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۵).

۲-۳. گریه از روی ترحم

در نقل‌های مختلف اصم، مضمون گریه از روی ترحم آمده است:

اصم < ابوعقوب > ابان بن عثمان < زراره > امام صادق (ع): كَانَ جَلِي إِذَا ذَكَرَهُ بَكَى حَتَّى تَمَلَأَ عَيْنَاهُ لِحَيْتِهِ وَحَتَّى يَبْكِي لِإِكَاثِهِ رَحْمَةً لَهُ مِنْ رَأَى (ابن قولویه، ۱۳۶۵ ش، ص ۸۱).

اصم < هیثم بن واقد > عبدالملک بن مقرن < امام صادق (ع): فَلَا يَبْقَى فِي السَّمَاوَاتِ مَلَكٌ إِلَّا بَكَى رَحْمَةً لِبُصُوتِهَا (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۷).

اصم < مسمع کردین > امام صادق (ع): إِنَّ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ لَتَبْكِي مُنْذُ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع رَحْمَةً لَنَا... وَمَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَلِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحْمَةً اللَّهِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۱-۱۰۲).

اصم < معاویه بن وهب > امام صادق (ع): ازْحَمَ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۷).

در تمام کامل الزیارات نقل دیگری یافت نشد که ترکیب مشتقات بکاء با «رحمة» در آن آمده باشد، جز نقل معاویه بن وهب که به اسناد دیگری هم از او روایت شده است (نگر: جدول چهار) و چنان که گفته خواهد شد، انتقال از اصم است. همچنین اصم نقل دیگری دارد که اگرچه گریه از روی ترحم در آن نیامده است، ترحم به امام حسین (ع) در آن مطرح شده است:

[اصم] ۱ < ؟ < امام صادق (ع): فَإِنَّهُ غَرِيبٌ بِأَرْضِ غَزَبَةَ يَبْكِيهِ مَنْ زَارَهُ وَيَحْزَنُ لَهُ مَنْ لَمْ يَزُرْهُ وَيَحْتَرِقُ لَهُ مَنْ لَمْ يَشْهَدْهُ وَيَزْحَمُهُ مَنْ نَظَرَ إِلَى قَبْرِ ابْنِهِ عِنْدَ رَجُلِهِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۲۵).

۲-۴. کمک به حضرت فاطمه (س)

در سه نقل از اصم از این سخن به میان می‌آید که با گریه بر امام حسین (ع)، حضرت فاطمه (س) یاری می‌شوند:

اصم < ابویعقوب < ابان بن عثمان < زرارۀ < امام صادق (ع): مَا مِنْ بَاكِ يَبْكِيهِ إِلَّا وَقَدْ وَصَلَ فَاطِمَةَ عَ وَأَسْعَدَهَا عَلَيْهِ وَوَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۱).

اصم < عبدالله بن مسکان < ابوبصیر < امام صادق (ع): إِنَّ فَاطِمَةَ عَ لَتَبْكِيهِ وَتَشْهَقُ... يَا أَبَا بَصِيرٍ أَمَا تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ فِي مَنُ يُسْعِدُ فَاطِمَةَ؟ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۲-۸۳).

اصم < هیثم بن واقد < عبدالملک بن مقرن < امام صادق (ع): إِنَّ فَاطِمَةَ عَ إِذَا نَظَرَتْ إِلَيْهِمْ وَمَعَهَا أَلْفُ نَبِيٍّ... يُسْعِدُ وَنَهَا عَلَى الْبُكَاءِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۷).

این مضمون که شخص با گریه کردن به حضرت فاطمه (س) کمک می‌کند، در هیچ نقل دیگری در کامل الزیارات یافت نشد. همچنین در خارج از این کتاب در روایتی یافت نشد. تنها در یک حدیث منسوب به زرارۀ در نوادر منسوب به علی بن اسباط آمده است که شخص با زیارت کردن قبر امام حسین (ع)، به حضرت فاطمه (س) کمک می‌کند: «يَا زُرَّارَةَ! مَا فِي الْأَرْضِ مُؤْمِنَةٌ إِلَّا وَقَدْ وَجِبَ عَلَيْهَا أَنْ تُسْعِدَ فَاطِمَةَ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ...» (ابن اسباط، ۱۴۲۳ق، ص ۳۴۰).

قابل توجه است که اصم حدیثی دیگر خارج از احادیث مزار امام حسین (ع) دارد که در آن از کمک کردن زنان هاشمی به حضرت فاطمه (س) در گریه بر پیامبر (ص) سخن آمده است:

اصم < حریر < محمد بن مسلم < امام صادق (ع) < امام علی (ع): مُرُوا أَهَالِيَكُمْ بِالْقَوْلِ الْحَسَنِ عِنْدَ مَوْتِكُمْ فَإِنَّ فَاطِمَةَ سَ لَمَّا قُبِضَ أَبُوهَا صَ أَسْعَدَتْهَا بَنَاتُ هَاشِمٍ فَقَالَتْ ائْتِكُنَّ النَّعْدَادَ وَعَلَيْكُنَّ بِالْدُعَاءِ (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۱۷).

۱. در پاورقی مذکور در ردیف ۲۴ جدول نخست توضیح داده شد که چرا این نقل متعلق به اصم است.

۲-۵. صحیحہ حضرت فاطمہ (س)، جبرئیل (ع) و دوزخ

در چند نقل از اصم آمده که جهنم، حضرت فاطمہ (س) و جبرئیل (ع) برای امام حسین (ع) صحیحہ زدند و اگر اذن داده می‌شد، افراد از این صحیحہ جان می‌دادند:

اصم < ابویعقوب < ابان بن عثمان < زرارہ < امام صادق (ع): وَلَقَدْ خَرَجْتُ نَفْسُهُ عَ فَرَفَرْتُ جَهَنَّمَ زَفْرَةً كَادَتْ الْأَرْضُ تَنْشَقُّ لِرَفْرَفِهَا وَلَقَدْ خَرَجْتُ نَفْسَ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَيَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ فَشَهَقْتُ جَهَنَّمَ شَهَقَةً لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ حَبَسَهَا بِخِرَانِهَا لَأَخْرَقَتْ مَنْ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ قَوْمِهَا وَلَوْ يُؤَدُّ لَهَا مَا بَقِيَ شَيْءٌ إِلَّا ابْتَلَعَتْهُ (ابن قولویه، ۱۳۶۵ ش، ص ۸۱).

اصم < عبدالله بن مسکان < ابوصیر < امام صادق (ع): إِنَّ فَاطِمَةَ عَ لَتَبْكِيهَ وَتَشْهَقُ فَتَرْفُرُ جَهَنَّمَ زَفْرَةً لَوْ لَا أَنَّ الْحَزَنَةَ يَسْمَعُونَ بُكَاءَهَا وَقَدْ اسْتَعَدُّوا لِذَلِكَ مَخَافَةَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا عُنُقٌ أَوْ يَشْرُدَ دُخَانُهَا فَيُحْرِقَ أَهْلَ الْأَرْضِ فَيَحْفَظُونَهَا ... (ابن قولویه، ۱۳۶۵ ش، ص ۸۲).

اصم < هیثم بن واقد < عبدالملک بن مقرب < امام صادق (ع): إِنَّ فَاطِمَةَ عَ إِذَا نَظَرَتْ إِلَيْهِمْ ... إِنَّهَا لَتَشْهَقُ شَهَقَةً (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۷).

اصم < حسین < حلبی < امام صادق (ع): مَا تَرَاهُ إِلَّا جَبْرَائِيلَ عَ أَمَا إِنَّهُ لَوْ أُذِنَ لَهُ فِيهِمْ لَصَاحَ بِهِمْ صَيْحَةً يَحْطَفُ بِهَ أَزْوَاجُهُمْ مِنْ أَبْدَانِهِمْ إِلَى النَّارِ وَلَكِنْ أَمْهَلَ لَهُمْ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۷).

این مضمون که کس یا چیزی به دلیل قتل امام حسین (ع) صحیحہ زده باشد و اگر اذن بود، افراد به دلیل آن صحیحہ می‌مردند، در نقل دیگری در کامل الزیارات یافت نشد.

۲-۶. مشغول بودن به گفتگو در قیامت

در سه نقل از اصم آمده است که گریه‌کننده بر امام حسین (ع) و کسی که در راه زیارت امام حسین (ع) دچار آزار یا ترس می‌شود، در روز قیامت با پیامبر (ص) و امام حسین (ع) مشغول سخن گفتن خواهد بود:

اصم < ابویعقوب < ابان بن عثمان < زرارہ < امام صادق (ع): مَا مِنْ عَبْدٍ يُحْشِرُ إِلَّا وَعَيْنَاهُ بَأَكْبِيَّةٍ إِلَّا الْبَاكِينَ عَلَى جَدِّي الْحُسَيْنِ عَ فَإِنَّهُ يُحْشِرُ... وَهُمْ خَدَاتُ

الْحُسَيْنِ ع تَحْتَ الْعَرْشِ وَفِي ظِلِّ الْعَرْشِ لَا يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ يُقَالُ لَهُمْ
ادْخُلُوا الْجَنَّةَ فَيَأْبُونَ وَيَخْتَارُونَ مَجْلِسُهُ وَحَدِيثُهُ... (ابن قولويه، ۱۳۶۵ ش، ص ۸۱).

اصم < هشام بن سالم: «قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ حُبِسَ فِي إِيْتَانِهِ؟ قَالَ: ... إِنْ ضُرِبَ بَعْدَ
الْحُبْسِ فِي إِيْتَانِهِ... يَكُونُ مِنْ مُحَدَّثِي رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ»
(ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۴).

اصم < عبدالله بن بكير < امام صادق (ع): «مَنْ خَافَ لِحُوفِنَا أَظَلَّ اللَّهُ فِي ظِلِّ
عَرْشِهِ وَكَانَ مُحَدَّثَهُ الْحُسَيْنِ ع تَحْتَ الْعَرْشِ» (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۶).

در کامل الزیارات نقل دیگری یافت نشد که مضمون هم صحبتی پیامبر (ص) یا امام حسین (ع)
با شخص در روز قیامت را داشته باشد.

۷-۲. ورود به حوض پیامبر (ص)

در نقل های متعددی از مزار اصم به ورود شخص بر حوض پیامبر (ص) در روز قیامت توجه شده است:

اصم < مسمع کردین < امام صادق (ع) < پیامبر (ص): «أَتِيَهُ قَوْمٌ مِنْ مُحَبِّينَا...
وَهُمْ وَارِدُونَ حَوْضِي عَدَاً» (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۶۹).

اصم < مسمع کردین < امام صادق (ع): «إِنَّ الْمَوْجِعَ لَنَا قَلْبُهُ... يَرِدُ عَلَيْنَا الْحَوْضَ
وَإِنَّ الْكَوْثَرَ لَيَفْرُحُ بِمُحِبِّينَا إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ حَتَّى إِتَهُ لِيُذِيقَهُ مِنْ ضُرُوبِ الطَّعَامِ مَا لَا
يَسْتَهِي أَنْ يَصُدَّرَ عَنْهُ يَا مَسْمَعُ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَهُ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا وَلَمْ يَسْتَقِ
بَعْدَهَا أَبَدًا» (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۰۲).

اصم < معاوية بن وهب < امام صادق (ع): «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ وَتِلْكَ
الْأَنْفُسَ حَتَّى تُؤَفِّيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ الْأَكْبَرِ» (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۷).

اصم < محمد بصری < امام صادق (ع): «إِنَّ الرَّائِرَ لَهُ لَا يُبْتَاهِي لَهُ دُونَ الْحَوْضِ
وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَائِمٌ عَلَى الْحَوْضِ يُصَافِحُهُ وَيُرْوِيهِ مِنَ الْمَاءِ وَمَا يَسْبِقُهُ أَحَدٌ إِلَى
وُرُودِهِ الْحَوْضِ حَتَّى يَرَوِي» (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۳).

اصم < هشام بن سالم < امام صادق (ع): «وَيُقِيمُونَهُ عَلَى الْحَوْضِ فَيَشْرَبُ مِنْهُ
وَيَسْقِي مَنْ أَحَبَّ» (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۴).

اصم < حماد بن عثمان > امام صادق (ع): لَمَّا أُشْرِيَ بِالنَّبِيِّ ص إِلَى السَّمَاءِ قِيلَ لَهُ: ... أَمَا أَخُوكَ فَجَزَاؤُهُ عِنْدِي جَنَّةُ الْمَأْوَى ... وَأَوْلِيهِ حَوْضُكَ يَسْقِي مِنْهُ أَوْلِيَاءَ كُمْ... وَأَوَّلُ مَنْ يُحْكَمُ فِيهِمْ مُحَسِّنُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَفِي قَاتِلِهِ نَمٌّ فِي فُنْفُنٍ... يَا تَيَّانَ الْحَوْضِ فَيَسْأَلَانِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَمَعَهُمْ حَفْظَةٌ فَيَقُولَانِ اعْطِنَا وَاشْفِنَا وَتُحَلِّصُنَا (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۲-۳۳۵).

در کامل الزیارات فارغ از نقل های اصم، تنها در دو روایت دیگر نام «حوض» پیامبر (ص) آمده است: یکی در زیارت نامه منسوب به ابوحمزه ثمالی که در آن از خدا می خواهیم شهیدان کربلا را بر سر حوض ببینیم و ما نیز وارد بر حوض شویم (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۴۳، ۲۵۴)؛ دیگری حدیثی از بوفکی که گفته شده است هم بسته با حدیث اصم است (جدول چهار) و در آینده گفته خواهد شد که انتحال از اصم است.

۲-۸. مصافحه افراد با هم

اصم در روایات مختلف مزارش به مصافحه ملائکه حاضر در حائر حسینی با هم و مصافحه پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع)، اوصیا و حاملان عرش با زائر امام حسین (ع) توجه کرده است:

اصم < هیثم بن واقد > عبدالملک بن مقرب < امام صادق (ع): إِنَّ مَلَائِكَةَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مِنَ الْحَفْظَةِ تَخْضُرُ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ بِالْحَائِرِ فَتُصَافِحُهُمْ فَلَا يُجِيبُونَهَا مِنْ شِدَّةِ الْبُكَاءِ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۶).

اصم < معاویه بن وهب > امام صادق (ع): يَا مُعَاوِيَةَ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ ع لِحَوْفٍ... أَمَا تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ عَدَاً مِمَّنْ يُصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ ص؟ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۷).

اصم < محمد بصری > امام صادق (ع): إِنَّ الرَّائِرَةَ لَهُ لَا يُتَنَاهَى لَهُ دُونَ الْحَوْضِ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع قَائِمٌ عَلَى الْحَوْضِ يُصَافِحُهُ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۳).

اصم < هشام بن سالم > امام صادق (ع): ... كَانَ أَوَّلَ مَنْ يُصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَالْأَوْصِيَاءَ... فَيُصَافِحُهُ حَمَلَةُ الْعَرْشِ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۴).

در تمام کامل الزیارات، با کنار گذاشتن روایات اصم و روایات هم بسته با آن، تنها در یک نقل از مصافحه سخن رفته است (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۷۹). بر این اساس در کامل الزیارات، پنج بار مصافحه در چهار روایت اصم و هم بسته با اصم آمده و یک بار در یک روایت دیگر.

۹-۲. نگاه به اردوگاه امام حسین (ع)

در سه نقل اصم از نگاه پیامبر (ص) و نگاه امام حسین (ع) به اردوگاه و لشکر امام حسین (ع) گفته شده است:

اصم < مسمع کردین < امام صادق (ع) < پیامبر (ص): وَكَاَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مُعَسِّكِهِمْ وَإِلَى مَوْضِعِ رِحَالِهِمْ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۶۹).

اصم < عبدالله بن بکر ارجانی < امام صادق (ع): أَمَّا الْيَوْمَ فَهُوَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّهِ يُرْزَقُ وَيَنْظُرُ إِلَى مُعَسِّكِهِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۲۹).

اصم < حسین < حلبی < امام صادق (ع): إِنَّ الْحُسَيْنَ عَ لَمَّا قُتِلَ أَتَاهُمْ آتٍ وَهُمْ فِي الْعَسْكَرِ فَصَرَخَ فَزَبَرَ فَقَالَ لَهُمْ وَكَيْفَ لَا أَصْرُخُ وَرَسُولُ اللَّهِ ص قَائِمٌ يَنْظُرُ إِلَى الْأَرْضِ مَرَّةً وَإِلَى حِزْبِكُمْ مَرَّةً (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۶-۳۳۷).

در کامل الزیارات نقل دیگری یافت نشد که حاوی چنین مضمونی باشد.

۱۰-۲. نگاه و دعای خیر اهل بیت (ع)

در روایات مختلف اصم از دعای خیر اهل بیت (ع) برای زائران امام حسین (ع) و نگاه کردن اهل بیت (ع) به زائر و گریه کننده گفته شده است:

اصم < ابویعقوب < ابان بن عثمان < زراره < امام صادق (ع): إِنَّ فَاطِمَةَ... لَتَنْظُرُ إِلَى مَنْ حَضَرَ مِنْكُمْ فَتَسْأَلُ اللَّهَ لَهُمْ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۷).

اصم < معاویه بن وهب < امام صادق (ع): لَا تَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَ لِحَوْفٍ... أَمَّا تُحِبُّ أَنْ يَرَى اللَّهُ شَخْصَكَ وَسَوَادَكَ فِيمَنْ يَدْعُو لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْأَيْمَةُ ع؟ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۷).

اصم < مدلج < محمد بن مسلم < امام باقر (ع): مَنْ خَافَ فِي إِثْيَانِهِ... سَلَّمَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَزَارَهُ [وراه؟] النَّبِيُّ ص وَدَعَا لَهُ وَانْقَلَبَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۶).

اصم < عبدالله بن سنان < امام صادق (ع): وَرِضَا اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ وَدُعَاءُ مُحَمَّدٍ ص وَدُعَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةِ خَيْرٌ لَهُ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۸).

اصم < صفوان جمال > امام صادق (ع): لَوْ يَعْلَمُ زَائِرُ الْحُسَيْنِ ع مَا يَدْخُلُ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا يَصِلُ إِلَيْهِ مِنَ الْفَرْحِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَالْأَيْمَةَ وَالشُّهَدَاءِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَمَا يَنْقَلِبُ بِهِ مِنْ دُعَائِهِمْ لَهُ... لِأَحَبِّ أَنْ يَكُونَ مَا تَمَّ دَارُهُ مَا بَقِيَ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۹۷).

اصم < عبدالله بن بکیر ارجانی > امام صادق (ع): «الْحُسَيْنُ ع... وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَيَّ زُؤَارِهِ وَهُوَ أَعْرَفُ بِهِمْ... وَإِنَّهُ لَيَرَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَعْفِرُ لَهُ رَحْمَةً لَهُ وَيَسْأَلُ أَبَاهُ الْإِسْتِعْفَارَ لَهُ» (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۲۹).

در باب «دعاء رسول الله وعلي وفاطمة والأئمة لزوار الحسين» (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۶-۱۱۸)، جز روایت اصم و روایات هم بسته با او، تنها یک نقل آمده است که همین مضمون را دارد (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۸، ح ۴). در سراسر کامل الزیارات نیز روایتی دیگری با این مضمون یافت نشد. در مجموع مضمون یادشده در هفت روایت در کامل الزیارات آمده که شش مورد از اصم است.

۱۸۵

آینه پژوهش | ۲۱۷
سال ۳۷ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

۲-۱۱. فرشتگان نگهبان

در چند نقل از اصم از فرشتگان نگهبان (حَفَظَةَ) نام برده شده است:

اصم < هیشم بن واقد > عبدالملک بن مقرن: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ... إِنَّ مَلَائِكَةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الْحَفَظَةِ تَحْضُرُ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ بِالْحَائِرِ فَتُصَافِحُهُمْ... قُلْتُ: ... وَمَا الَّذِي يَسْأَلُونَهُمْ عَنْهُ وَأَيُّهُمْ يَسْأَلُ صَاحِبَهُ الْحَفَظَةَ أَوْ أَهْلَ الْحَائِرِ؟ قَالَ: أَهْلُ الْحَائِرِ يَسْأَلُونَ الْحَفَظَةَ... فَيَسْأَلُونَهُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَمَنْ حَضَرَ مِنْكُمْ الْحَائِرِ وَيَقُولُونَ بَشَرُوهُمْ بِدُعَائِكُمْ فَتَقُولُ الْحَفَظَةُ كَيْفَ نُبَشِّرُهُمْ... (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۸۶).

اصم < عبدالله بن بکیر ارجانی > امام صادق (ع): لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَلَكٌ مِنَ الْحَفَظَةِ إِلَّا عَظَفَ عَلَيْهِ عِنْدَ رُقَادِ الْعَبْدِ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۵).

اصم < عبدالله بن بکیر ارجانی > امام صادق (ع): فِيهَا جَهَنَّمُ عَلَيَّ وَادٍ مِنْ أَوْدِيَّتِهِ عَلَيْهِ حَفَظَةٌ أَكْثَرُ مِنْ نُجُومِ السَّمَاءِ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۲۸).

اصم < حماد بن عثمان > امام صادق (ع): يَأْتِيَانِ الْخَوْضَ فَيَسْأَلَانِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَمَعَهُمْ حَفَظَةٌ فَيَقُولَانِ اغْفُ عَنَّا (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۵).

اصم < حیدره > امام صادق (ع): يُلَبَّسُ نُورًا تَعْرِفُهُ بِهِ الْحَفَظَةُ فَلَا يَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْحَفَظَةِ إِلَّا دَعَا لَهُ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۵).

در تمام کامل الزیارات واژه «حفظه» برای فرشتگان نگهبان، تنها در یک نقل دیگر که اصم در سند آن حضور ندارد، آمده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۳۳۰).

۱۲-۲. تارک زیارت؛ عاق‌کننده پیامبر(ص)

در دو نقل از اصم آمده است کسی که زیارت امام حسین(ع) را ترک کند، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) را عاق کرده و رحم پیامبر(ص) را قطع کرده است:

اصم < صفوان جمال: قُلْتُ لَهُ: فَمَنْ يَأْتِيهِ زَائِرًا ثُمَّ يَنْصَرِفُ فَمَتَى يَعُودُ إِلَيْهِ وَفِي كَمْ يَوْمٍ يُؤْتَى وَفِي كَمْ يَسْعُ النَّاسُ تَرْكُهُ؟ قَالَ: ... أَمَا بَعِيدُ الدَّارِ فَبِئْسَ كَلِمَةً ثَلَاثَ سِنِينَ فَمَا جَاَزَ الثَّلَاثَ سِنِينَ فَقَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَقَطَعَ رَحْمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۲۹۷).

اصم < حسین < حلبی: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِيمَنْ يَتْرُكُ زِيَارَتَهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيَّ ذَلِكَ؟ قَالَ: إِنَّهُ قَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَعَقَّتْنَا وَاسْتَحَفَّ بِأَمْرِ هُوَ لَهُ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۳۳۷).

در کامل الزیارات هیچ روایتی دیگر یافت نشد که در آن از مشتقات عقوق برای بیان وضعیت کسی که زیارت را ترک کرده، استفاده شده باشد، جز روایت بوفکی... از صفوان جمال (نگر: جدول چهارم) که چنان که گفته خواهد شد، انتقال از اصم است. همچنین در یک روایت از اصم گفته شده که زائر امام حسین(ع) صله با پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) کرده است که از نظر مضمونی، مرتبط با دو نقل پیش گفته اصم است:

اصم < معاذ < ابان < امام صادق(ع): مَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَوَصَلْنَا وَحَرَمَتْ غَيْبَتُهُ وَحَرَّمَ لَحْمُهُ عَلَيَّ النَّارِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۲۷).

۱۳-۲. اجر خرج در راه زیارت

در چند نقل از مزار اصم، از ثواب خرج کردن در راه زیارت امام حسین(ع) گفته شده است:

اصم < معاویه بن وهب < امام صادق(ع): اغْفِرْ لِي وَلَاخَوَانِي وَزُورِ قَبْرَ أَبِي الْحُسَيْنِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَيْتِنَا (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۱۶).

اصم < هشام بن سالم: أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: ... فَمَا لِلْمُنْفِقِ فِي خُرُوجِهِ إِلَيْهِ وَالْمُنْفِقِ عِنْدَهُ؟ قَالَ: دَرَاهِمٌ بِأَلْفٍ دَرَاهِمٍ... قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ يُجَهِّزُ إِلَيْهِ وَلَمْ يَخْرُجْ لِعَلَّةٍ تُصِيبُهُ؟

قَالَ: يُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ مِثْلَ أُحُدٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَيُخْلِفُ عَلَيْهِ أَضْعَافَ مَا أَنْفَقَهُ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۳).

اصم < معاذ < ابان < امام صادق (ع): مَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع... أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ عَشْرَةَ أَلْفِ مَدِينَةٍ لَهُ فِي كِتَابٍ مَحْفُوظٍ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۷).

اصم < عبدالله بن سنان: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع...: فَمَا لِمَنْ يُنْفِقُ فِي الْمَسِيرِ إِلَى أَبِيكَ الْحُسَيْنِ ع؟ فَقَالَ: يَا ابْنَ سِنَانَ يُحَسِبُ لَهُ بِالْدِرْهَمِ أَلْفٌ وَأَلْفٌ حَتَّى عَدَّ عَشْرَةَ وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُهَا (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۸).

اصم < مدلج < محمد بن مسلم < امام صادق (ع): فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ... اسْتَوْجَبْتَ مِنَ الَّذِي طَلَبْتَ مَا عِنْدَهُ بِتَفَقُّتِكَ وَاعْتِرَابِكَ عَنْ أَهْلِكَ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۳۱).

اصم < حسين < حلبی < امام صادق (ع): مَنْ زَارَهُ كَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَوَائِجِهِ وَكَفَاهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ إِنَّهُ لَيَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَى الْعَبْدِ وَيُخْلِفُ عَلَيْهِ مَا أَنْفَقَ... وَإِنْ سَلِمَ فُتِحَ الْبَابُ الَّذِي يَنْزِلُ مِنْهُ رِزْقُهُ فَيُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةُ أَلْفٍ دِرْهَمٍ وَدَخِرَ ذَلِكَ لَهُ فَإِذَا حُشِرَ قِيلَ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةُ أَلْفٍ دِرْهَمٍ وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ ذَخَّرَهَا لَكَ عِنْدَهُ (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۳۷).

در کامل الزیارات نقلی دیگری - خارج از نقل های اصم و هم بسته با اصم - دستیاب نشد که از ثواب خرج دراهم در راه زیارت امام حسین (ع) گفته باشد. از جمله در باب «ثواب ما للرجل في نفقته إلى زيارة الحسين» (ابن قولويه، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۲۷-۱۲۹) تنها پنج روایت آمده که چهار مورد از اصم و یک مورد نقلی هم بسته با اصم است.

۱۴-۲. حمل نکردن تربت امام حسین (ع)

اصم دو روایت درباره علت شفاندادن تربت امام حسین (ع) دارد که در آن دو آمده است: به دلیل اینکه شخص تربت را آشکارا حمل می کند و اجته و دیگران آن را لمس می کنند، تربت فاسد می شود و شخصی که تربت را می برد، نباید آن را در خورجین و ظروف و وسایل مشابه بگذارد. این دو روایت را ملاحظه می کنیم:

اصم < مدلج < محمد بن مسلم < امام باقر (ع): يَا مُحَمَّدُ إِنَّ الشَّرَابَ الَّذِي شَرِبْتَهُ فِيهِ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع وَهُوَ أَفْضَلُ مَا اسْتُشْفِي بِهِ فَلَا تَعْدِلْ بِهِ... يَا خُدَّهُ

الرَّجُلُ فَيُخْرِجُهُ مِنَ الْحَائِرِ وَقَدْ أَظْهَرَهُ فَلَا يَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْجِنِّ بِهِ عَاهَةٌ وَلَا ذَاتِيَّةٌ وَلَا شَيْءٌ فِيهِ أَفَّةٌ إِلَّا شَمَّمَهُ فَتَذْهَبُ بَرَكَتُهُ فَيَصِيرُ بَرَكَتُهُ لِعَیْرِهِ... وَلَوْ لَا مَا ذَكَرْتُ لَكَ مَا يُمَسِّحُ بِهِ شَيْءٌ وَلَا شَرِبَ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا أَفَاقَ مِنْ سَاعَتِهِ... نَصْنَعُ بِهِ مَعَ إِظْهَارِكَ إِتْيَاهُ مَا يَصْنَعُ غَيْرُكَ تَسْتَحْفَفُ بِهِ فَتَطْرَحُهُ فِي خُرْجِكَ وَفِي أَشْيَاءَ دَنَسَةٍ فَيَذْهَبُ مَا فِيهِ مِمَّا تُرِيدُهُ لَهُ!... (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۷۷).

اصم < ابو عمرو - شیخ من اهل الكوفة - > ابو حمزه ثمالی < امام صادق (ع): خُذْ مِنْهَا فَإِنَّهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَجِنَّةٌ مِمَّا تَخَافُ وَلَا يَعْدِلُهَا شَيْءٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يُسْتَشْفَى بِهَا إِلَّا الدُّعَاءُ وَإِنَّمَا يُفْسِدُهَا مَا يُخَالِطُهَا مِنْ أَوْعِيَّتِهَا وَقَلَّةِ الْيَقِينِ لِمَنْ يُعَالِجُ بِهَا فَأَمَّا مَنْ أَتَقَنَ أَنَّهَا لَهُ شِفَاءٌ إِذَا يُعَالِجُ بِهَا كَفَتْهُ بِإِذْنِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِهَا مِمَّا يُعَالِجُ بِهِ وَيُفْسِدُهَا الشَّيَاطِينُ وَالْجِنُّ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ مِنْهُمْ يَتَمَسَّحُونَ بِهَا وَمَا تَمُرُّ بِشَيْءٍ إِلَّا شَمَّمَهَا وَأَمَّا الشَّيَاطِينُ وَكُفَّارُ الْجِنِّ فَإِنَّهُمْ يَحْسُدُونَ بَنِي آدَمَ عَلَيْهَا فَيَتَمَسَّحُونَ بِهَا لِيَذْهَبَ عَامَّةً طِبِّهَا وَلَا يُخْرِجَ الطِّيبُ مِنَ الْحَائِرِ إِلَّا وَقَدْ اسْتَعَدَّ لَهُ مَا لَا يُحْصَى مِنْهُمْ وَأَنْتَ لَفِي يَدِ صَاحِبِهَا وَهُمْ يَتَمَسَّحُونَ بِهَا وَلَا يَقْدِرُونَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَدْخُلُوا الْحَائِرَ وَلَوْ كَانَ مِنَ التُّرْبَةِ شَيْءٌ يَسْلَمُ مَا عُولَجَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا بَرًّا مِنْ سَاعَتِهِ فَإِذَا أَخَذَتْهَا فَكُتْمَهَا وَأَكْثَرُ عَلَيْهَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ بَعْضَ مَنْ يَأْخُذُ مِنَ التُّرْبَةِ شَيْئًا يَسْتَحْفَفُ بِهِ حَتَّى إِنَّ بَعْضَهُمْ لَيَطْرَحُهَا فِي مَخْلَاةِ الْبُغْلِ وَالْحِمَارِ وَفِي وَعَاءِ الطَّعَامِ وَمَا يُمَسِّحُ بِهِ الْأَيْدِي مِنَ الطَّعَامِ وَالْخُرْجِ وَالْجُوَالِقِ فَكَيْفَ يَسْتَشْفِي بِهِ مَنْ هَذَا حَالُهُ عِنْدَهُ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۸۱).

جالب است که در روایت اصم از مدلج از محمد بن مسلم در آخر امام باقر (ع) از اینکه به او تربت بدهند، منصرف می‌شوند؛ چه محمد بن مسلم آن را در «ثیاب» خویش می‌گذارد و حتماً فاسد می‌شود! پس به او می‌گویند که صرفاً از تربتی که نزدشان است، بخورد و چیزی از تربت را نبرد (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۷۷).

در کامل الزیارات چند باب درباره تربت امام حسین (ع) آمده است (باب ۹۱-۹۵)؛ اما هیچ روایتی جز این دو نقل اصم یافت نمی‌شود که در آن از تأثیر اجته و شیاطین و چهارپایان در فاسد کردن تربت گفته شود. در نقل‌های دیگران، ائمه (ع) نهی از برداشتن و همراه داشتن تربت نمی‌کنند (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۷۴) و عامل اثر نکردن تربت را اطمینان نداشتن شخص می‌دانند (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۲۷۸). حتی در نقلی آمده است که امام رضا (ع) هر وسیله‌ای

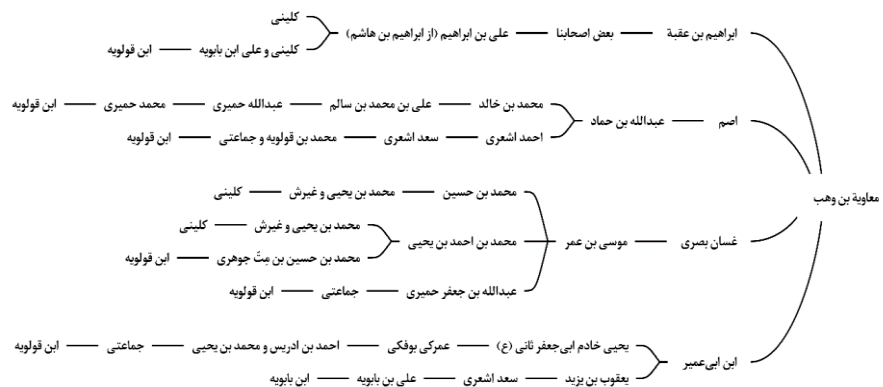
را که به جایی می‌فرستادند، همراه آن خاک قبر امام حسین (ع) را قرار می‌دادند؛ به دلیل اینکه امانی برای آن باشد (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۲۷۸؛ الطوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۴۰).

۳. اسناد موازی با اصم

چنان‌که در بخش نخست گفته شد، بیشتر روایات مزار اصم متفرد و طولانی و نامتناسب با روایات مشایخی است که آن نقل‌ها را بدیشان منسوب می‌کند. همچنین در بخش دوم دیدیم که نقل‌های مزار اصم، آکنده از کلیشه‌ها و عبارات همسویی است که نشان می‌دهد این روایات باید پردازش و داستان‌پردازی یک نفر (اصم) باشد و نباید بازگشتی واقعی به مشایخ ادعایی او داشته باشد. تنها استثنایی که در بخش نخست برای تفرد روایات اصم بیان شد، سه نقل بود که در جدول چهارم معرفی شد. هم‌اکنون بررسی می‌شود که این سه نقل آیا واقعاً مستقل از اصم است یا انتحال شده از اوست؟

۳-۱. حدیث معاویه بن وهب

مجموع اسناد حدیث معاویه بن وهب (آن‌گونه که در جدول چهارم معرفی شد) از این قرار است:



در ادامه به بررسی هر نقل - جز نقل اصم - می‌پردازیم:

الف) نقل ابراهیم بن عقبه

در نقل کافی، علی بن ابراهیم با واسطه پدرش از بعض اصحابنا از ابراهیم بن عقبه، حدیث معاویه بن وهب را روایت می‌کند؛ اما در نقل کامل الزیارات در سند علی بن ابراهیم، پدرش حضور ندارد. ابراهیم بن عقبه شیخ احمد برقی (د. ۲۷۴/۲۸۰ق) و سهل بن زیاد (د. حدود ۲۸۰ق) است (البرقی، ج ۲،

ص ۵۱۳، ۵۳۱؛ الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۲) و با امام جواد(ع) (د. ۲۲۰ق) و امام هادی(ع) (ع. د. ۲۵۴ق) مکاتبه داشته است (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۳۱؛ ج ۴، ص ۵۸۳) و از حسن بن علی و شام (د. حدود ۲۳۰ق) روایت می‌کند (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۷۱).

بر این اساس، ابراهیم بن عقبه باید حدوداً متوفای سال ۲۵۰ قمری به بعد باشد و طبقه‌اش به روشنی از عبدالله اصم (د. حدود ۲۲۰ق) متأخرتر است. همچنین معاویه بن وهب - از اصحاب امام صادق(ع) - متوفی حدود ۱۸۰-۱۹۰ قمری است^۱ و بعید است که ابراهیم بن عقبه از او سماعی داشته باشد. قابل توجه است که ابراهیم بن عقبه هیچ روایت دیگری از معاویه بن وهب ندارد. بر این اساس، به نظر می‌رسد نقل ابراهیم از معاویه مرسل است؛ چنان که تعداد زیادی از نقل‌های ابراهیم، مرسل یا مرفوع هستند (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۲؛ ج ۵، ص ۲۶۲؛ ج ۶، ص ۲۹۱؛ ج ۸، ص ۱۶۲).

ب) نقل غسان بصری

غسان بصری شخصیتی شناخته شده در کتب رجال نیست. در کتب حدیث هم تنها حدیث معاویه بن وهب در زیارت امام حسین(ع) و حدیث کوتاه دیگری درباره زیارت امام حسین(ع) از او روایت شده است (الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۲؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۱۶-۱۱۹، ۱۲۶؛ الطوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷).

البته روایت معاویه بن وهب هم که در چند سند از او نقل شده، همواره از طریق یک راوی (موسی بن عمر) از او روایت شده است؛ از این رو انتساب این حدیث به او قطعی نیست. با توجه به اینکه معاویه بن وهب کوفی است، اما این «غسان» همانند عبدالله اصم - بصری است، احتمال می‌رود که روایت او مرتبط با روایت اصم باشد و مستقیم برگرفته از معاویه بن وهب نباشد.

ج) نقل ابن ابی عمیر

تنها سندی که ابن قولویه به ابن ابی عمیر ارائه می‌کند، سند بوفکی است: «جماعتی < احمد بن ادريس و محمد بن يحيى < بوفكى < يحيى خادم < ابن ابى عمير». بوفکی در دو نقل بعدی که سند موازی با حدیث اصم دارد، نیز حضور دارد؛ از این رو به نظر می‌رسد که برخی روایات او ارتباط با روایات اصم دارد (در ادامه درباره سند بوفکی بحث می‌شود).

۱. چه وی از امام کاظم(ع) سماعی نداشته و افرادی چون یونس بن عبدالرحمن (د. حدود ۲۰۳ق)، حماد بن عیسی (د. ۲۰۷ق)، صفوان بن يحيى (د. ۲۱۰ق)، ابن ابی عمیر (د. ۲۱۷ق)، فضالة بن ايوب (د. حدود ۲۲۰ق)، حسن بن محبوب (د. ۲۲۴ق) و علی بن حکم (د. حدود ۲۳۰ق) از او روایت می‌کنند.

سند صدوق اما سند دیگری است که نام بوفکی در آن نیامده است: «علی بن بابویه < سعد اشعری < یعقوب بن یزید < ابن ابی عمیر». صدوق این حدیث را صرفاً در ثواب الأعمال (باب ثواب من زار قبر الحسین) آورده است. سند صدوق از اسناد مشهور او به ابن ابی عمیر است و ممکن است تصوّر شد که این سند نشان می‌دهد که انتساب این حدیث به ابن ابی عمیر اصیل است و حتی این حدیث در کتاب ابن ابی عمیر بوده است.

با این حال اگر واقعاً این حدیث، حدیث ابن ابی عمیر بوده، جای تعجب دارد که چرا ابن قولویه و کلینی که دسترسی به کتاب ابن ابی عمیر دارد، برای این حدیث از اسناد مشهورشان به ابن ابی عمیر استفاده نکرده‌اند. در این میان سید محمد جواد شبیری زنجانی ایده جالب توجهی را در نسبت میان کامل الزیارات و ثواب الأعمال صدوق مطرح می‌کند که می‌توان این مشکل را توضیح دهد.

سید محمد جواد شبیری بر آن است که جمیع روایات «باب ثواب من زار قبر الحسین» از ثواب الأعمال برگرفته از کامل الزیارات است؛ بدین ترتیب که ابن بابویه روایات این باب را از کامل الزیارات گرفته و اسناد ابن قولویه را با اسناد معروف خودش تعویض کرده است (شبیری، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۳۲). شبیری در توضیح این ایده، اشاره می‌کند به اینکه تمام ۵۲ روایت «باب ثواب من زار قبر الحسین» در کامل الزیارات آمده و ترتیب این روایات هم ترتیب روایات کامل الزیارات است (شبیری، ۱۳۹۱ ش-۱؛ ۱۳۹۱ ش-ب). با مقایسه تفصیلی میان روایات «باب ثواب من زار قبر الحسین» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق، ص ۸۵-۹۸) با کامل الزیارات روشن می‌شود که دیدگاه شبیری در این باره درست است:

جدول ششم: مقایسه روایات «باب ثواب من زار قبر الحسین» با روایات کامل الزیارات

کامل الزیارات	ثواب الأعمال	ترتیب یکسان	کامل الزیارات	ثواب الأعمال	ترتیب یکسان
ص ۱۷۰، ح ۳	ح ۲۷	*	ص ۱۴۷، ح ۲	ح ۱	*
ص ۱۷۰، ح ۴	ح ۲۸	*	ص ۱۴۷، ح ۳	ح ۲	*
ص ۱۸۳، ح ۲	ح ۲۹	*	ص ۱۴۸، ح ۴	ح ۳	*
ص ۱۵۲، ح ۱	ح ۳۰	*	ص ۱۳۸، ح ۱	ح ۴	#
ص ۱۳۲، ح ۱	ح ۳۱	#	ص ۱۳۸، ح ۲	ح ۵	#
ص ۱۳۲، ح ۲	ح ۳۲	#	ص ۱۳۸، ح ۳	ح ۶	#
ص ۱۳۲، ح ۳	ح ۳۳	#	ص ۱۳۸، ح ۴	ح ۷	#
ص ۱۶۱، ح ۱	ح ۳۴	*	ص ۱۵۴، ح ۱	ح ۸	*
ص ۱۶۱، ح ۲	ح ۳۵	*	ص ۱۵۴، ح ۲	ح ۹	*

کامل الزیارات	ثواب الأعمال	ترتیب یکسان	کامل الزیارات	ثواب الأعمال	ترتیب یکسان
ص ۱۶۱، ح ۳	ح ۳۶	*	ص ۱۵۵، ح ۳	ح ۱۰	*
ص ۱۶۲، ح ۴	ح ۳۷	*	ص ۱۵۵، ح ۴	ح ۱۱	*
ص ۱۶۲، ح ۵	ح ۳۸	*	ص ۱۵۸، ح ۳	ح ۱۲	
ص ۱۶۲، ح ۶	ح ۳۹	*	ص ۱۶۴، ح ۱	ح ۱۳	#
ص ۱۶۲، ح ۷	ح ۴۰	*	ص ۱۶۴، ح ۲	ح ۱۴	#
ص ۱۶۳، ح ۸	ح ۴۱	*	ص ۱۱۹، ح ۱	ح ۱۵	*
ص ۲۷۲، ح ۴	ح ۴۲	*	ص ۱۱۹، ح ۲	ح ۱۶	*
ص ۲۷۱، ح ۱	ح ۴۳	*	ص ۱۸۹، ح ۱	ح ۱۷	#
ص ۱۱۶، ح ۲	ح ۴۴	*	ص ۱۸۹، ح ۲	ح ۱۸	#
ص ۱۱۴، ح ۱	ح ۴۵	#	ص ۲۹۳، ح ۱۰	ح ۱۹	
ص ۱۱۴، ح ۲	ح ۴۶	#	ص ۱۶۸، ح ۷	ح ۲۰	
ص ۱۱۴، ح ۳	ح ۴۷	#	ص ۱۳۱، ح ۳	ح ۲۱	
ص ۱۰۹، ح ۱	ح ۴۸	*	ص ۱۲۹، ح ۲	ح ۲۲	
ص ۱۰۹، ح ۲	ح ۴۹	*	ص ۱۲۹، ح ۱	ح ۲۳	
ص ۱۰۹، ح ۳	ح ۵۰	*	ص ۱۸۳، ح ۱	ح ۲۴	
ص ۱۱۰، ح ۴	ح ۵۱	*	ص ۱۶۹، ح ۱	ح ۲۵	*
ص ۱۰۹، ح ۷	ح ۵۲	*	ص ۱۷۰، ح ۲	ح ۲۶	*

در جدول بالا می بینیم که تمام روایات «باب ثواب من زار قبر الحسین» ثواب الأعمال در کامل الزیارات آمده است. چنان که شبیری تذکر می دهد (شبیری، ۱۳۹۱ش-۱)، وجود همه این تعداد بالا از روایات صدوق (۵۲ عدد)، در کامل الزیارات، احتمال اقتباس را به ذهن می آورد. البته شاید گمان شود کتاب ابن قولویه آن قدر جامع است که همه روایات صدوق را به طور اتفاقی دربر دارد. برای راستی آزمایی این جامعیت، می توان به منابع معاصر ابن قولویه در موضوع مزار (غیر از ثواب الأعمال) رجوع کرد؛ برای نمونه رجوع می کنیم به ۳۲ روایت از محمد بن احمد بن داود قمی (د. ۳۶۸ق) که در کتاب المزار تهذیب الأحکام در ابواب زیارت امام حسین (ع) برجامانده است (الطوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۲-۷۷). ابن داود - همانند ابن قولویه (د. ۳۶۷ق) - شیخی مهم در قم بوده که به بغداد رفته و مقیم آنجا شده و کتاب المزار داشته و حتی به ابن قولویه توجهی داشته و کتابی در رد بر او در موضوع روزه نوشته است (النجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۸۴-۳۸۵). در اینجا روایات ابن داود در تهذیب در موضوع زیارت امام حسین (ع) (الطوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶) را با روایات ابن قولویه در کامل الزیارات (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش) مقایسه می کنیم:

جدول هفتم: مقایسه روایات ابن داود در موضوع زیارت امام حسین (ع) در تهذیب با روایات کامل الزیارات

روایات ابن داود	روایات ابن قولویه	روایات ابن داود	روایات ابن قولویه
ص ۴۲، ح ۸۶	همسان: ص ۱۵۰، ح ۱	ص ۵۲، ح ۱۲۴	همسان: ص ۱۸۶، ح ۷
ص ۴۲، ح ۸۷	همسان: ص ۱۲۲، ح ۴	ص ۵۲، ح ۱۲۵	همسان: ص ۱۸۷، ح ۹
ص ۴۲، ح ۸۸	مشابه: ص ۲۹۳، ح ۱	ص ۵۳، ح ۱۲۶	مشابه: ص ۱۵۲، ح ۳
ص ۴۵، ح ۹۶	همسان: ص ۱۲۷، ح ۲	ص ۵۳، ح ۱۲۷	-
ص ۴۵، ح ۹۷	مشابه: ص ۲۹۵، ح ۱۱	ص ۵۳، ح ۱۲۸	همسان: ص ۱۸۷، ح ۲
ص ۴۶، ح ۹۹	مشابه: ص ۲۹۳، ح ۱۰	ص ۵۴، ح ۱۳۰	همسان: ص ۱۸۶، ح ۶
ص ۴۷، ح ۱۰۲	همسان: ص ۱۶۱، ح ۱	ص ۷۲، ح ۱۳۶	-
ص ۴۷، ح ۱۰۳	همسان: ص ۱۲۶، ح ۳	ص ۷۲، ح ۱۳۷	همسان: ص ۲۷۰، ح ۱۳
ص ۴۷، ح ۱۰۴	همسان: ص ۱۱۹، ح ۴	ص ۷۲، ح ۱۳۸	همسان: ص ۲۷۰، ح ۱۲
ص ۴۷، ح ۱۰۵	-	ص ۷۳، ح ۱۳۹	-
ص ۴۸، ح ۱۰۶	-	ص ۷۴، ح ۱۴۶	همسان: ص ۲۸۲، ح ۱۰
ص ۵۰، ح ۱۱۵	همسان: ص ۱۶۹، ح ۱	ص ۷۵، ح ۱۴۷	-
ص ۵۰، ح ۱۱۶	همسان: ص ۱۷۰، ح ۳	ص ۷۵، ح ۱۴۸	-
ص ۵۱، ح ۱۱۷	مشابه: ص ۱۷۱، ح ۷	ص ۷۶، ح ۱۴۹	-
ص ۵۱، ح ۱۱۸	-	ص ۷۶، ح ۱۵۱	مشابه: ص ۱۳۱، ح ۳
ص ۵۱، ح ۱۲۱	همسان: ص ۱۷۳، ح ۲	ص ۷۷، ح ۱۵۲	مشابه: ص ۱۲۹، ح ۲

چنان‌که ملاحظه می‌شود، فارغ از اینکه برخی از نقل‌های ابن داود عیناً در کامل الزیارات دیده نمی‌شود و تنها تحریری مشابه با آن را در کامل الزیارات می‌بینیم، ۹ حدیث از ۳۲ حدیث ابن داود اساساً در کامل الزیارات یافت نمی‌شود. این آمار تفاوت قابل توجهی با وضعیت تشابه متون صدوق با کامل الزیارات دارد: ۵۲ حدیث صدوق تماماً در کامل الزیارات یافت می‌شود و حتی در متون تفاوتی در تحریر روایات دیده نمی‌شود و اختلاف‌های متنی بسیار جزئی است.

نکته مهم‌تر از اصل اشتراک روایات، ترتیب یکسان روایات ابن قولویه و صدوق است. در جدول ششم، مواردی که در هر دو کتاب با ترتیب یکسان آمده با علامت (*) و (#) مشخص شده است. از این ۵۲ حدیث، در ۳۹ حدیث، ترتیب احادیث ابن قولویه رعایت شده است؛ از جمله در یک مورد، هشت حدیث مرتب داریم؛ در چهار مورد، ۴ حدیث مرتب داریم و در سه مورد، ۳ حدیث مرتب داریم. این میزان از اشتراک در ترتیب نمی‌تواند اتفاقی باشد.

حال ممکن است گمان شود که این اشتراک ابن قولویه و صدوق به دلیل استفاده هر دوی آنها از منبعی مشترک است. این گمانه نیز درست نیست؛ چراکه اسناد ابن قولویه و ابن بابویه در این ۵۲

حدیث بسیار متنوع است و به یک یا چند منبع مشترک محدود نمی‌شود؛ برای نمونه نگاهی به اسناد حدیث ۳۴-۴۱ صدوق (بیشترین میزان اشتراک صدوق با ابن قولویه در ترتیب) خواهیم داشت:

جدول هشتم: مقایسهٔ اسناد هشت حدیث مشترک میان ابن قولویه و صدوق

سند ابن قولویه در نقل معادل	سند صدوق در ثواب الأعمال
محمد بن قولویه < سعد اشعری < احمد اشعری < محمد بن سنان < حسین بن مختار < زید شحام	ح ۳۴: ابن ولید < صفار < احمد اشعری < محمد بن سنان < حسین بن مختار < زید شحام
ابن ولید < صفار < احمد اشعری < ابن بزیع < صالح بن عقبه < مدائنی	ح ۳۵: علی ابن بابویه < سعد اشعری < ابن ابی الخطاب < ابن بزیع < صالح بن عقبه < مدائنی
رزاز < ابن ابی الخطاب < احمد بن نصر < شهاب بن عبدربه	ح ۳۶: علی ابن بابویه < سعد اشعری < ابن ابی الخطاب < احمد نصر < شهاب بن عبدربه
رزاز < ابن ابی الخطاب < محمد بن سنان < حذیفه بن منصور	ح ۳۷: ماجیلویه < محمد بن ابی القاسم < ابن ابی الخطاب < محمد بن سنان < حذیفه بن منصور
محمد بن قولویه < سعد اشعری < ابن ابی الخطاب < محمد بن سنان < محمد بن صدقه < صالح نیلی	ح ۳۸: علی ابن بابویه < سعد اشعری < ابن ابی الخطاب < محمد بن سنان < محمد بن صدقه < صالح نیلی
محمد بن قولویه < سعد اشعری < ابن ابی الخطاب < محمد بن سنان < محمد بن صدقه < مالک بن عطیه	ح ۳۹: علی ابن بابویه < سعد اشعری < ابن ابی الخطاب < محمد بن سنان < محمد بن صدقه < مالک بن عطیه
رزاز < ابن ابی الخطاب < ابن بزیع < خیبری < محمد بن قاسم	ح ۴۰: ابن ولید < احمد بن ادريس < محمد بن احمد < ابن ابی الخطاب < ابن بزیع < خیبری < محمد بن قاسم
علی ابن بابویه < سعد اشعری < احمد اشعری < ابن بزیع < صالح بن عقبه < یزید بن عبدالمملک	ح ۴۱: علی ابن بابویه < سعد اشعری < صفار < ابن بزیع < صالح بن عقبه < یزید بن عبدالمملک

بخش مشترک اسناد صدوق و ابن قولویه در اینجا با این افراد شروع می‌شود: احمد اشعری، ابن بزیع، ابن ابی الخطاب (۵ مورد) و ابن بزیع. فراتر از این، ابن قولویه با دو سند مختلف به ابن ابی الخطاب می‌رسد و صدوق با سه سند مختلف به او می‌رسد. اسناد منتهی به ابن بزیع هم یکسان نیست.

بنابراین به روشنی طبق ظاهر اسناد، این دو کتاب متکی به چند منبع در این احادیث هستند. با این حال، ترتیب کاملاً یکسان نشان می‌دهد که در واقع باید ثواب الأعمال متکی بر کامل الزیارات باشد. چه محتمل نیست که هرکدام از چندین منبع متفاوت استفاده کنند و اتفاقاً هشت حدیث با ترتیب یکسان گردآوری شود. حال اگر این بررسی را در تمام ۵۲ حدیث ادامه دهیم، اتکای صدوق بر کامل الزیارات واضح‌تر از پیش می‌شود.

تا اینجا روشن شد که «باب ثواب من زار قبر الحسین» در ثواب الأعمال متکی بر کامل الزیارات است. حال پرسش این است که آیا صدوق با کمک گرفتن از کامل الزیارات شخصاً به تک تک

منابع هم رجوع کرده و به آنان ارجاع مستقیم داده است یا گاه صرفاً با تشخیص احتمالی، سند جایگزین خود را آورده است.

در پاسخ باید به دنبال موردی از تعویض اسناد در کتب صدوق باشیم که راوی به اشتباه شناسایی شده باشد و سند صدوق به آن شخص اشتباهی منتهی شود. اگر چنین مثالی باشد، روشن می‌شود که صدوق دست‌کم در مواردی به منابع اصلی رجوع نکرده است و صرفاً منبع را حدس زده یا سندی تشریفاتی داده است.

سید محمد جواد شبیری دو مثال از این قبیل ارائه کرده است؛ در یک مورد در منبع صدوق «مروان بن مسلم» به «هارون بن مسلم» تصحیف شده و صدوق سند خود به «هارون بن مسلم» را برای آن حدیث آورده است. در مورد دیگر، صدوق «احمد بن محمد» در منبعش را که احمد عاصمی بوده، به اشتباه احمد اشعری تشخیص داده و بعد سند مشهورش به احمد اشعری را برای حدیث ذکر کرده است (شبیری، ۱۴۰۲ ش).^۱

حال به حدیث ابن ابی عمیر از معاویة بن وهب بازمی‌گردیم: ابن قولویه و کلینی دسترسی به این حدیث با واسطه طرق مشهورشان به ابن ابی عمیر ندارند. کلینی این حدیث را به سندی مرسل از ابراهیم بن عقبه آورده و ابن قولویه این حدیث را از بوفکی از یحیی خادم از ابن ابی عمیر. تنها صدوق این حدیث را به سند مشهوری از ابن ابی عمیر روایت کرده است و آن را در میان کتب مختلفش، تنها در ثواب الأعمال (باب ثواب زیارة قبر الحسین) آورده؛ همان بایی که احادیش حاصل تعویض اسناد کامل الزیارات است. بنابراین نمی‌توان سند صدوق را اصیل (بازتاب‌دهنده روایت ابن ابی عمیر به طریقی مشهور) در نظر گرفت و باید آن را ترکیب اجزاهای با سند دانست.

۱. در مثالی دیگر، حدیثی با بیش از ۹۰ واژه با سندی کاملاً ناشناخته (علی بن حسین نيسابوری) ابراهیم بن احمد < عبدالرحمن بن سعید مکی > از شخصی مجهول به نام «یحیی بن سلیمان مازنی» روایت شده است (الکلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۵۸۵؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش، ص ۳۰۷). صدوق همین حدیث را عیناً با سندی مشهور از سلیمان بن حفص مروزی روایت کرده است. این حدیث نمی‌تواند از هر دوی این راویان باشد؛ چه راوی چند سؤال و جواب در متن با امام دارد که عیناً در هر دو نقل یکسان است. همچنین این فرض که حفص بن سلیمان این حدیث را از یحیی بن سلیمان گرفته باشد، درست نیست؛ چه متن حدیث عیناً یکسان است و باید در فرض اتحاد متن، مصدر هر دو کتابی از یحیی بن سلیمان باشد؛ حال آنکه یحیی مجهول است و کتابی ندارد و جز به این حدیث شناخته نمی‌شود. تبیین روشن‌تر آن است که نسخه صدوق مشکل‌دار بوده و «یحیی بن سلیمان» به «یحیی عن سلیمان» تصحیف شده بوده و «الفزنی» را شبیه «المروزی» دیده و با تشخیص سلیمان مروزی به عنوان راوی این متن، سند مشهورش به او را آورده است. با سپاس از آقای علی عادل‌زاده که این مثال را معرفی کرد.

۲-۳. حدیث هشام بن سالم و صفوان جمال

چنان‌که در جدول چهارم گذشت، حدیث ۱۰ اصم (از هشام بن سالم) و حدیث ۲۳ اصم (از صفوان جمال) با این سند موازی نیز روایت شده است: ابن قولویه < جماعتی > احمد بن ادريس و محمد بن یحیی < عمرکی > یحیی خادم < علی > صفوان جمال. عمرکی همچنین حدیث ۸ اصم (از معاویة بن وهب) را با این سند روایت کرده بود: یحیی خادم < ابن ابی عمیر > معاویة بن وهب.

یحیی خادم در کتب متقدم رجالی شناخته شده نیست. در اسناد احادیث نیز صرفاً در روایات زیارت حضور دارد (روایات هم‌بسته با اصم: جدول چهارم؛ روایات غیر هم‌بسته با اصم: ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ص ۱۱، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۸۵، ۲۷۹). در تمام اسناد، صرفاً عمرکی از یحیی خادم روایت می‌کند؛ بنابراین یحیی خادم از غیر طریق عمرکی شناخته شده نیست.

یحیی خادم سه روایت هم‌بسته با اصم را به این دو سند نقل کرده است: ۱. ابن ابی عمیر < معاویة بن وهب و ۲. علی > صفوان جمال. بنابراین طبق ادعای این اسناد، این سه روایت یحیی متکی بر یک منبع نیست و بر دو منبع اتکا دارد.

پس اصم نمی‌تواند منبع مشترک با روایات یحیی خادم داشته باشد و باید یکی از این دو، متکی بر دیگری باشد و از او سرقت کرده باشد؛ چه روایات اصم منفردات بسیاری دارد و شباهتی به روایات دیگران ندارد و اگر اسناد بوفکی از یحیی خادم را کنار بگذاریم، در تمام ۲۶ روایت اصم، تنها ۱ روایت (معاویة بن وهب) است که سند ظاهراً مستقل دارد (که البته استقلال همان هم زیر سؤال است). پس اشتراک ۳ روایت اصم با یحیی خادم نمی‌تواند اتفاقی باشد. ظاهراً طبقه اصم بر یحیی خادم مقدم است؛ بر این اساس چون در بخش ۱-۱ گفته شد که انتساب این روایات به اصم اصیل است، باید روایات یحیی خادم متکی بر اصم باشد.

۳-۳. بررسی متنی سه حدیث مشترک

در بخش دوم دیدیم که اصم ادبیات خاص خویش را در روایات متعددش بارها نشان داده است. حال برای اینکه وضعیت سه حدیث مشترک اصم روشن‌تر شود، فقرات مختلف این سه حدیث را با دیگر احادیث اصم مقایسه می‌کنم تا شباهت میان این متون معلوم شود. در این مقایسه برخی از مضامینی را که پیش‌تر در بخش دوم معرفی کرده بودیم، به تفصیل نمی‌آوریم و صرفاً به آن ارجاع می‌دهیم؛ اما متن‌های مشابهی را که پیش‌تر معرفی نکرده بودیم، مستقیم می‌آوریم.

جدول نهم: مقایسه سه روایت مشترک اصم با دیگران روایات اصم

حدیث مشترک	فقرات حدیث مشترک	دیگر احادیث مشابه اصم
حدیث ۸: معاویه بن وهب	يَا مُعَاوِيَةَ لَا تَدْعُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَ لِخَوْفٍ	چهار نقل دیگر اصم با مضمون «خوف و وجل» (بخش ۲-۲)
	فَإِنَّ مِنْ تَرْكِ زِيَارَتِهِ رَأَى مِنَ الْحَسْرَةِ مَا يَتَمَنَّى أَنْ قَبْرَهُ كَانَ عِنْدَهُ	اصم < هشام بن سالم: قَالَ: فَمَا لِمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عِنْدَهُ؟ قَالَ: الْحَسْرَةُ يَوْمَ الْحَسْرَةِ (ص ۱۲۳).
	أَمَا تُحِبُّ أَنْ يَرَى اللَّهُ شَخْصَكَ وَسَوَادَكَ فِيمَنْ يَدْعُو لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْأَيْمَةُ	پنج نقل دیگر اصم با مضمون «نگاه و دعای خیر اهل بیت (ع)» (بخش ۲-۱۰)
	أَمَا تُحِبُّ أَنْ تُكُونَ عَدَا مِمَّنْ يُصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ	سه نقل دیگر اصم با مضمون «مصافحه افراد با هم» (بخش ۲-۸)
	اللَّهُمَّ يَا مَنْ حَضَّنَا بِالْكَرَامَةِ وَعَدَدَنَا بِالسَّعَادَةِ وَحَضَّنَا بِالْوَصِيَّةِ	اصم < مسمع < امام صادق (ع): الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ وَحَضَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِالرَّحْمَةِ (ص ۱۰۱).
	زُورَارِ قَبْرِ أَبِي الْحُسَيْنِ الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ	پنج نقل دیگر اصم با مضمون «اجر خرج دراهم در راه زیارت» (بخش ۲-۱۳)
	ازَحَمِ تِلْكَ الْأَعْيُنِ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا	سه نقل دیگر اصم با مضمون «گریه از روی ترخم» (بخش ۲-۳)
حدیث ۱۰: هشام بن سالم	اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ وَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ حَتَّى تُوفِّيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ الْأَكْبَرِ	چهار نقل دیگر اصم با مضمون «ورود به حوض پیامبر (ص)» (بخش ۲-۷)
	قَالَ: فَمَا لِمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عِنْدَهُ؟ قَالَ: الْحَسْرَةُ يَوْمَ الْحَسْرَةِ	اصم < معاویه بن وهب < امام صادق (ع): فَإِنَّ مَنْ تَرَكَ زِيَارَتَهُ رَأَى مِنَ الْحَسْرَةِ مَا يَتَمَنَّى أَنْ قَبْرَهُ كَانَ عِنْدَهُ (ص ۱۱۶).
	قَالَ: فَمَا لِلْمُنْفِقِ فِي خُرُوجِهِ إِلَيْهِ وَالْمُنْفِقِ عِنْدَهُ؟ قَالَ: دَرَاهِمٌ بِأَلْفِ دَرَاهِمٍ... قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ يُجَهِّزُ إِلَيْهِ وَلَمْ يَخْرُجْ لِعَلَّةٍ تُصِيبُهُ؟ قَالَ: يُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ دَرَاهِمٍ أَنْفَقَهُ مِثْلَ أُحُدٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ	پنج نقل دیگر اصم با مضمون «اجر خرج دراهم در راه زیارت» (بخش ۲-۱۳)
	قَالَ: فَمَا لِمَنْ مَاتَ فِي سَفَرِهِ إِلَيْهِ؟ قَالَ: تُمَيِّعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَأْتِيهِ بِالْحَنُوطِ... وَتُفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَى قَبْرِهِ وَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ رُوحُهَا وَرِيحَانُهَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ	اصم < حسين < حلبی < امام صادق (ع): فَإِنَّ هَلَاكَ فِي سَفَرِهِ تَرَكْتَ الْمَلَائِكَةَ فَعَسَلَتْهُ وَفُتِحَ لَهُ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ حَتَّى يَدْخُلَ عَلَيْهِ رُوحُهَا حَتَّى يُنْشَرَ (ص ۳۳۷).
	كَانَ أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَأَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع وَالْأَوْصِيَاءِ... فَيُصَافِحُهُ حَمَلَةَ الْعَرْشِ	سه نقل دیگر اصم با مضمون «مصافحه افراد با هم» (بخش ۲-۸)

حدیث مشترک	فقرات حدیث مشترک	دیگر احادیث مشابه اصم
	وَيُقِيمُونَهُ عَلَى الْحَوْضِ فَيَشْرَبُ مِنْهُ وَيَسْقِي مَنْ أَحَبَّ	چهار نقل دیگر اصم با مضمون «ورود به حوض پیامبر(ص)» (بخش ۲-۷)
	وَيَكُونُ مِنْ مُخَلِّثِي رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى يُفْرَغَ مِنَ الْحِسَابِ	دو نقل دیگر اصم با مضمون «مشغول بودن به گفتگو در قیامت» (بخش ۲-۶)
حدیث ۲۳: صفوان جمّال	نُوحِ الْجَحَنِّ عَلَيْهِمَا وَبَكَاءِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ حَوْلَهُمْ وَشِدَّةِ حُزْنِهِمْ فَمَنْ يَتَهَنَأُ مَعَ هَذَا بِطَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ؟!	سه نقل دیگر اصم با مضمون «جلوگیری حزن از سخن، غذا، و خواب» (بخش ۲-۱)
	أَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فَفِي كُلِّ ثَلَاثٍ سِنِينَ فَمَا جَازَ الثَّلَاثِ سِنِينَ فَقَدْ عَقَى رَسُولُ اللَّهِ ص وَقَطَعَ رَحْمَةً إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ	یک نقل دیگر اصم با مضمون «تازک زیارت؛ عاق‌کننده پیامبر(ص)» (بخش ۲-۱۲)
	لَوْ يَعْلَمُ زَائِرُ الْحُسَيْنِ ع مَا يَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَمَا يَصِلُ إِلَيْهِ مِنَ الْفَرَحِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَالْأَيْمَةَ وَالشَّهَدَاءِ مِنَّا أَهْلِ الْبَيْتِ وَمَا يَنْقَلِبُ بِهِ مِنْ دُعَائِهِمْ لَهُ	پنج نقل دیگر اصم با مضمون «نگاه و دعای خیر اهل بیت(ع)» (بخش ۲-۱۰)

چنان‌که از ملاحظه جدول برمی‌آید، به‌روشنی هر سه نقل متکی به الفاظ و مضامین و تعابیر اصم است. بر این اساس، باید هر سه متن پرداخته اصم باشد و بعداً با سرقت یا ارسال، اسنادش تکثیر شده باشد.

جمع‌بندی

عبدالله بن عبدالرحمن اصم (د. حدود ۲۲۰ق) از روایان بصره است که کتابی حدیثی در خصوص زیارت امام حسین(ع) دارد. ۲۶ نقل از روایات این کتاب در کامل‌الزیارات و کتب دیگر باقی مانده است. مرویات این کتاب از دوران متقدم مورد تردید بوده است. احمد بن حسین غضائری محتوای کتاب را دال بر خبائث عظیم و مذهب متهافت نویسنده‌اش می‌داند. نجاشی نیز نقل می‌کند که تمام کتاب «تخلیط» است. در دوران معاصر نیز عالمانی چون سید علی سیستانی، سیداحمد مددی و سیدمحمدجواد شبیری زنجان‌ی از وجود داستان‌پردازی در روایات این کتاب گفته‌اند.

بیشتر روایات مزار اصم بسیار طولانی هستند؛ همچنین به جز ۳ نقل، هیچ‌یک از نقل‌های این ۲۶ حدیث، سندی مستقل از اصم ندارد. با توجه به تنوع مشایخ اصم، این میزان بالای انفراد، اصم را در معرض اتهام قرار می‌دهد. با مطالعه تفصیلی متون روایات مزار اصم نیز روشن می‌شود

که این روایات نباید به مشایخ او برگردد و باید حاصل پردازش او باشد؛ چه فراوان از کلیشه‌ها، تعابیر، الفاظ، و مضامینی در آن به کار برده شده است که در خارج روایات اصم یا اصلاً حضور ندارد یا خیلی محدود است.

سه روایت اصم که اسنادی ظاهراً مستقل از او دارد، در واقع از او مستقل نیست و سرقت شده از اوست. روایت معاویه بن وهب، از ابراهیم بن عقبه، غسان بصری و ابن ابی عمیر از معاویه روایت شده است. ابراهیم بن عقبه متأخر از اصم است و روایتش مرسل است. غسان بصری ناشناخته و همشهری اصم است. ابن ابی عمیر هم واقعاً راوی این روایت نبوده است، بلکه در سند بوفکی نقل این حدیث به او منسوب شده و پس از آن، صدوق، سندی غیرواقعی (مبتنی بر اجازات) به ابن ابی عمیر داده است. همچنین در حدیث بوفکی، دو نقل دیگر اصم سرقت شده است. با مقایسه متنی این سه نقل با دیگر احادیث اصم، روشن می‌شود که این سه نقل هم پردازش اصم باید باشد.

در مجموع تمام روایات مزار اصم متفرد است و اسناد ظاهراً مستقل هم در واقع متکی بر اصم است. در واقع هیچ‌یک از روایات مزار اصم را نمی‌توان به مشایخی که ادعا کرده نسبت داد و در اغلب روایات اصم شواهد متعدد بر حضور پردازش و ادبیات اصم در متون هست و پرورش و جعل متون محصول کار شخص عبدالله اصم است.

کتاب نامه

- ابن اسباط، علي (۱۴۲۳ق)؛ من نوادر علي بن اسباط؛ مطبوع ضمن: الأصول الستة عشر، قم: دارالحدیث.
ابن بابویه، محمد بن علي (۱۴۰۶ق)؛ ثواب الأعمال وعقاب الأعمال؛ قم: دارالشریف الرضی.
ابن بابویه، محمد بن علي (۱۳۶۲ش)؛ الخصال؛ قم: جامعه مدرسین.
ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۶۵ش)؛ کامل الزیارات؛ النجف: دارالمرتضویة.
انصاری، حسن (۱۳۹۳ش)، «از میراث غلات: کتابی از سنت غالیان بصره از نیمه اول سده سوم قمری»،
<https://ansari.kateban.com/post/2153>
البرقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)؛ المحاسن؛ قم: دارالکتب الإسلامیة.
شبییری، سید محمد جواد [بی تا]؛ التعليقات الرجالیة؛ قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).
شبییری، سید محمد جواد (۱۳۹۱ش-۱)؛ «درس رجال»؛ جلسه ۷۷؛ در:
https://eshia.ir/Feqh/Archive/text/shobeiry_mohammad/rejal/91/077.
شبییری، سید محمد جواد (۱۳۹۱ش-ب)؛ «درس رجال»؛ جلسه ۸۱؛ در:
https://eshia.ir/Feqh/Archive/text/shobeiry_mohammad/rejal/91/081.
شبییری، سید محمد جواد (۱۳۹۹ش)؛ «درس خارج فقه»؛ ۱۳۹۹/۹/۲۳؛ در:
https://eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry_mohammad/feqh/99/990923.
شبییری، سید محمد جواد (۱۴۰۲ش)؛ «درس خارج فقه»؛ ۱۴۰۲/۱۱/۰۹؛ در:
https://eshia.ir/Feqh/Archive/text/shobeiry_mohammad/feqh/1402/14021109.
عادل زاده، علی (۱۴۰۱ش)؛ «تفسیر اسماعیل بن ابی الزیاد السکونی؛ بررسی تاریخی، تحقیق و بازسازی»؛
پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: روح الله شهیدی، دانشکده گان فارابی دانشگاه تهران.
العقيلي، محمد بن عمرو (۱۴۰۴ق)؛ الضعفاء الكبير؛ بیروت: دارالمکتبة العلمیة.
فرات، ابن ابراهیم الکوفی (۱۴۱۰ق)؛ تفسیر فرات الکوفی؛ تهران: وزارت ارشاد.
مددی، سید احمد (۱۳۸۸ش)؛ «دروس خارج فقه - مکاسب، ۱۳۸۸-۱۳۸۹ش، ۱۲۱»؛ در:
<https://www.ostadmadadi.ir/persian/lesson/9514>.
مددی، سید احمد (۱۳۸۹ش)؛ «دروس خارج فقه - شرح مکاسب محرمة، سال ۱۳۸۹ش»؛ در:
<https://www.ostadmadadi.ir/persian/book/11460/8571>.
مددی، سید احمد (۱۳۹۳ش)؛ «دروس خارج فقه، سال ۱۳۹۳ش، النوح بالباطل»؛ در:
<https://www.ostadmadadi.ir/persian/book/11527/8710>.
المهري، السيد مرتضى [بی تا-۱]؛ تقریرات مباحث «تعارض الأدلة» للسید علي السيستاني؛ ج ۳ (المقصد
الثاني)، نشر الکترونیک.^۱

۱. کتاب مذکور از این لینک در تلگرام قابل دریافت است: https://t.me/ImamHadi_Library/74824. همچنین در این
سایت متن تقریر در دسترس است: <https://mohri.net/feqh-osool/38>.

المهري، السيد مرتضى [بی تا ب]؛ کتاب الصلاة - مکان المصلي (تقريراً لأبحاث السيد علي السيستاني)؛
[بی جا]: [بی نا].
الهاشمي، السيد هاشم (۱۴۴۱ق)؛ تعارض الأدلة واختلاف الحديث (تقريراً لأبحاث السيد علي
السيستاني)؛ قم: اسماعيليان.